

دایلیق

آلبوم فرهنگی آذری جه فارسجا نشره
مجله خانه فرهنگی فارسی-آذری

شماره ۲۰ - آذرماه ۱۳۵۸

ایچینده کیلر

(فهرست)

- ۱- باش سؤز ۳
- ۲- انجمن آذربایجانین یئنی چالیشما لاری مناسبتیله : ۴
- اعلامیه پنجم بهمن ۱۳۵۷ ۵
- تهم فروردین ۱۳۵۸ ۸
- شماره ۹ انجمن آذربایجان درباره تأمین و تضمین حقوق قومی ۸
- وغرهنگی خلق آذربایجان و دیگر خلق های ایران. ۱۰
- ۳- آذربایجاندا ملی ستم حقینده: م. ع. یاشار ۱۲
- ۴- طالعیمه سن یاخا ب - ق. سهند ۱۵
- ۵- آغاران فجری سلاملارکن: ح. ن. آلتای. ۱۶
- ۶- آذری تور کجه سینین تاریخینه قیصاییر باخیش: دکتر جواد هیئت. (۱) ۲۰
- ۷- فولکلور و ضرورت تدوین آن: ع. اختای. ۲۹
- ۸- زمان سسی: استاد شهریار. ۳۴
- ۹- آنادیلی: بختیار وها بزاده. ۳۵
- ۱۰- سهند همیشه لیک حیاتا گؤزیومدی: گ. صباحی. ۳۶
- ۱۱- اماما سلام: ب. ق. سهند. ۴۱
- ۱۲- سلام بر تبریز: ب. ق. سهند. ۴۵
- ۱۳- حرمتلی سهنده: مظفر ۴۸
- ۱۴- سهند ایچون: علی تبریزی ۴۹
- ۱۵- سحره گشدن بیر یول وار: دکتر ح. نطقی. ۵۰
- ۱۶- بیدار شو صمد: سهند ۵۱
- ۱۷- ستارخان: عزیزم حسنی. ۵۲
- ۱۸- ستارخان و صابر. عاقیت. ۵۴
- ۱۹- هدر اولماز: ح. م. ساوالان. ۵۷
- ۲۰- اوچ پارچه شعر ناظم حکمتدن: شعریمه دائر، قاریما مکتوب و بلکه من، ۵۸
- ۲۱- کارگر بایرامی: مظفر ۶۲
- ۲۲- دستور نگارش ترکی آذری: دکتر حمید نطقی. ۶۳

وارلیق

آیلیق فرهنگى نور کجه و فارسجا نشریه
مجله ماهانه فرهنگى فارسى و تورکى آذربى

پیرینجی صایی - اردیبهشت ۱۳۵۸

باش سؤز

علمی و تاریخی باخیمدان ، هریر خلق
مختلف تاریخی مرحله لرده آیری - آیری
خلقلار ایله مشترک تاریخی و مدنی باغلیلیق
اولدوغی حالدا ، نوز ملی دیل ، فرهنگ و
هویتنى ساخلاماغا حقی در .

آذربایجان خلقی ، تاریخ بویى ،
ایراندا یاشایان آیری - آیری خلقلار ایله بیر-
لیکده ، واحد بیر سرنوشته باغلی اولدوغی
و مشترک بیر تاریخ و مدنیت یاراندیغی حالدا ،
هر بیر اصل خلق کیمی ، نوز ملی وارلیغی ،
دیلمی ، فرهنگینی ، خصلت و هویتینی
ساخلامیشدر .

نوز ملی فرهنگ و وارلیغی باغلی اولماق
و اونى قسوروماق ، هنج زمان و هنج بیر
شرایطده آذربایجان خلقینی ، ایرانین سیاسی ،
اجتماعی و مدنی تاریخینده عهده سینه دوشن
وظیفه لری اولدو قاجاشرف و باجاریق ایله یئرینه
یتیر مالقدان دالی قویمامیشدر . آذربایجان
خلقى نوز دوغمادیلینی و ملی فرهنگینی
داشیدیغی حالدا ، بوتون دوحدت ملی داشینی
سینه لرینه وورالارین هامیسیندان چوخ ایرانا
باغلی قالامیش وهری کلینجهده نوز تاریخی -

انقلابی و خلیفه لرینی یشینه ینئرماقدان چکینمه
موشدر .

وارلیق مجموعه سی ، آذربایجان
خلقنن ملی و فرهنگی وارلیغینا ، دوغمادیل و
ادیبانی ، گنیش ساحه لی فولکلور و اکل یار-
ادبیاتینا ، اتخارلی گنجلیکینه ، توکنمز
بدیعی و هنری قدرتی یول آچماق و اونوتازا
تاریخی - اجتماعی شرایطده داها انسانی ،
داها دموکراتیک و داها قاباقجیل اولگولر ایله
ارائه التمک آرزوسیه اورتا یا چیهیر .

بیز مجموعه مزین دوتدوغو بو بؤیوک
و شرفلی یولدا بولون خلقلرین ملی و فرهنگی
آزادلیغینا حرمت بسله یین انسانلار طرفیندن
احترام و اعتقادلا قبول اولونماسینا ایمانیریق .
« یاز بچیلار هییتی »

از اعلامیه جهانی حقوق بشر-میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

ماده ۲۷- در کشورهایی که اقلیتهای نژادی - مذهبی یا زبانی وجود
دارند اشخاص متعلق به اقلیتهای مزبور را نمی توان از این حق محروم
نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود
متمتع شوند و بدین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا زبان
خود را استعمال نمایند.

انجمن آذربایجان

از پیاپی پنجم بهمن ماه ۵۲ انجمن آذربایجان

نگاهی به تاریخ:

در شرائط امروزی تحول بنیادی و انقلاب اجتماعی ایران که مردم مبارز ما با نیروی لایزال ایمان و اعتقاد عمیق به جهاد در راه حق و مبارزه با استعمار و استبداد، فداکاری و جانبازی حیرت انگیز و حماسی در برابر رگبار گلوله های خون آشام نشان می دهند، هر کس باید وظیفه ملی خود را در همگامی و همراهی مصممانه با نهضت و دفاع از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی ایران انجام دهد.

این وظیفه را که ما آذربایجانی ها همراه با همه مردم مبارز و آزاده ایران نه امروز و نه روز و نه پارسال و نه پیرا سال، بلکه از يك قرن پیش در سنگرها و پایگاه های ملی با خلوص نیت و از اعماق دل و جان انجام داده و همواره سرسخت و پیشگام بوده ایم، اینکه نیز ادامه همین وظیفه ملی را در پایگاه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی «انجمن آذربایجان» که تاریخ آن با تاریخ درخشان آزادی ایران توأم است اعلام می داریم.

اندکی به تاریخ بنگریم و با مبارزهای «انجمن آذربایجان» در گذشته آشنا شویم.

نخستین فعالیت های خداستبدادی و تفرقه خواهانه آذربایجانی ها در قرن اخیر از قضیه رژی دوره قاجاری و تحریم دخانیات و مبارزه با کمپانی انگلیسی آغاز میشود و به تأسیس مدارس جدید و روزنامه در ۱۳۱۶ قمری و سپس کوشش در «انجمن ملی» و «مرکز غیبی» در تبریز و «مجمع آزادیخواهان» در تهران بسال ۱۳۲۲ میرسد.

برائر مجاهدتهای ملت ایران در این دوران است که فرمان مشروطه در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۳ و قانون اساسی در ذیقعدة همان سال و متمم آن در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ تحصیل میشود.

بدآوری راسخین تاریخ اخذ متمم قانون اساسی که نخستین منشور ملی نظام دموکراسی است بیشتر از همه مدیون مساعی رهبران مذهبی و ملی و قاطبه مردم آذربایجان است.

در این مجاهدتها «انجمن ایالتی تبریز» و «انجمن ولایتی» شهرستانها در آذربایجان و «کمیته انقلاب ملی» و «انجمن آذربایجان» در تهران مبارزهای عمومی وادرکنار سایر انجمنها در پایتخت و سطح کشور رهبری میکردند.

اوج کوشش انجمن آذربایجان در تهران هنگام بمباران مجلس از طرف محمدعلی شاه بود که خود حماسه جاودان در تاریخ مبارزات ملی ایران است.

در همین جریان بود که اعضای انجمن آذربایجان در میدان بهارستان با جنگ دلیرانه و مبارزه مسلحانه پایای سایر رزمندگان چنان شهامت و مهارت و بی باکی از خود نشان دادند که هنوز زبانزد همگان و موجب حیرت و تحسین تاریخ نویسان است.

بزرگترین فصل درخشان تاریخ آزادی ایران که بار رهبری «انجمن آذربایجان» انجام گرفت پایداری و جان فشانی مردم این سامان با هدف مشخص پاسداری از دموکراسی توپا و انهدام عاملان خودکامگی در دوره «استبداد منقرضه» بود.

در تمام این دوران تلاش و مبارزه که بازده ماه از ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ تا اواخر ربیع الثانی ۱۳۲۷ طول کشید و همه ایران را نیروی استبداد فرا گرفته و تبریز را به مخاطره انداخته بود مردم دلیر آذربایجان با نثار خون خود و تحمل شدائد طاقت فرسا از آزادی دفاع کردند و همین پایداری شجاعانه موجب همگامی سایر مناطق ایران و منجر به قیام ملی و فتح تهران و خلع سلطان مستبد در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ گردید. در این قیام و مبارزه و جهاد در سنگر دفاع و پاسداری از آزادی بود که هزاران تن شهید شدند و صدها چهره تابناک در تاریخ وطن مادر خشید و وقایع افتخار آفرینی بوقوع پیوست که رزمهای دلیرانه فدائیان به رهبری ستارخان سردار ملی و شهادت خونین پاکبازان از جان گذشته در عاصورای ثانی

تبریز باقیاندرخشان ثقة الاسلام شهید و سایر شهیدان نمونه‌ای
از آنهاست.

چند سال پس از مشروطه که روس تزاری استعمارگر،
اولتیماتوم ۱۳۲۹ را به ایران داد و حاکمیت ایران را نقض کرد
دوره دوم قانون‌گذاری بود. نمایندگان آذربایجان برهبری
سیمای تاپناک تاریخ، شیخ محمد خیابانی، مبارزه درخشان و
مبتکرانه را بکار بردند. نه تنها در مجلس به شدت اعتراض و
ایستادگی کردند بلکه برای بکار بستن تحریک اجتماعی موضوع
وایه‌میان مردم بردند و اجتماعات بزرگ در مسجد شیخ عبدالعزیز
و سبزه میدان تشکیل و مناطق‌های عمیق و تکان‌دهنده مردم را
در راه مقاومت و بیکار علیه نفوذ خارجی مصمم‌تر و آماده‌تر
ساختند.

کوتاه سخن آنکه انجمن آذربایجان که به‌همت و دست
اندرکاری پدران و پدر بزرگان نسل کنونی وظایف خطیر ملی
را بر عهده گرفته و کارهای بزرگ و ارزنده انجام داده است اثری
را که برای ما باقی گذاشته مبارزه در راه آزادی و استیفاء حقوق
ملی است.

بنیادین ما فرزندان آذربایجان با الهام از رادمردان
با کتهد و آزادیخواهان و مبارزان صدر مشروطه و با اعتقاد به
رسالت تاریخی مردم این سامان و اصالت انجمن آذربایجان و
ایمان به بیکار قهرمانانه و بی نظیر ملت چه در گذشته و چه در حال
حاضر بیکار دیگر آمادگی خود را برای ادامه بیکار در راه آموال
ملی بگوش همه ایرانیان عزیز می‌رسانیم و با انگاه به نیروی
سرسختی و پایداری و سجد شور و حمیت آذربایجانی همه
آزادیخواهان و روزمتدگان این سامان را در سراسر ایران به
همکاری و کوشش در راه احیاء دموکراسی و استقرار نظام
مترقی قرامی‌خوانیم.

از اعلامیه نهم فروردین ماه ۵۷ انجمن آذربایجان

انجمن آذربایجان مذاق سرسخت آزادیهای اساسی و حقوق دموکراتیک همه خلقهای ایران است. مردم آذربایجان نه تنها برای خود و نه تنها برای همه همزبانان خود در سراسر کشور بلکه برای همه تنوعات زبانی ملی ایران آزادی فرهنگی و مدنی میخواهند. اقوام آذری، فارس، کرد، عرب، لر، قشقایی، بلوچ، ترکمن، باید در همه حقوق با هم برابر باشند. جمهوری ایران باید نقطه آغاز رفع ستم تاریخی و استبداد مضاعف باشد. تا مساله ملی حل نگردد و تا تشخص و هویت همه ایرانیان و حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران قطع نظر از اختلاف زبان، مذهب، تمدن، شیوه زندگی، و سایر ویژگیها در قاموس هیات حاکمه ایران پذیرفته نشود مبارزه ضد امپریالیستی و استقرار حاکمیت ملی و حفظ اتحاد و یگانگی امکان پذیر نخواهد بود.

«ایران وطن مشترک همه خلقهای این سامان و ملیت و تابعیت ایرانی حالت حقوقی همه ایرانیان است. در این وطن مشترک، در این چهار راه حوادث، در این ساتراپ نشینی باستانی، در این ممالك محروسه دوران نزدیک تاسیس نظام جمهوری جز با برقراری حکومتهای محلی دارای اختیارات اداری، مالی، قضائی، انتظامی، اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و قوه تصمیم گیری برای امور محلی بوسیله شوراهای ناحیه ای امکان پذیر نخواهد بود. در ایران امروز همبستگی و وحدت ملی و هماهنگی سیاسی و اجتماعی با قدرت حاکم و نیروی نظامی و استبداد و تمرکز ادامه حاکمیت مطلقه یک خلق بر خلقها و ملیتها انجام نمیگیرد بلکه یگانه راه آن دموکراسی همگن و حقوق همسان و برابری کامل و برادری

واقعی است. فشار و اختناق بی گفتگو قوه گریز از مرکز ایجاد می کند. سرکوبی خلق های ستمکش به بهانه ها و عناوین مزورانه جز نفاق و بیزاری نتیجه ندارد. حکومتگران و سیاست پیشگان آگاه باشند و راه خطا نروند.

« خلق های ستمکشیده ایران را که در طول تاریخ اسیر امتیازات شوونیستی و وطن پروری کاذب و مزورانه و حکومت مستولیان عظام و سرپرده های بیگانگان بوده اند دیگر نمیتوان در اسارت نگاهداشت. قشرهای ارتجاعی و استعمارگر که برای فرمانروائی خود و خدمت به استعمار در تلاشند دیگر نمیتوانند با تهمت تجزیه طلبی و شعار دروغ الحاق (آنشلوس) و مارک گنه گمونیستی و وطن پرشی خلق های تشنه حریت و عدالت و آرزومند زندگی مرفه و خواستار حکومت دموکراتیک در سر زمین ایران و واحد جغرافیائی بازمانده از نیاکان را از راه خود برگردانند. در دنیایی که برای یک قطعه زمین یا یک دالان عبور جنگ جهانی برپا میشود تصرف سرزمین پایبستن بآن سوی مرز از بوج ترین و واهی ترین ترهات و اتهامات است.

انجمن آذربایجان ادامه مبارزه ضد استعماری و هوپائی نهضت دموکراتیک ایران را مطمئن ترین تضمین وحدت و همبستگی میداند و هر گونه افکار خام و ناپسندانه و هر گونه تهمت ناجوانمردانه را درباره خلق های ایران رد میکند و معتقد است که حکومتگران در سیاست عمومی خود راه و روش دموکراتیک را اتخاذ و در مداوم انقلاب دولت جمهوری را بر اساس آرزوها و خواست های همه خلق های ایران تاسیس نمایند » .

اعلامیه شماره ۹ انجمن آذربایجان درباره تأمین و تضمین حقوق قومی و فرهنگی خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ایران

در مرحله حساس و تاریخی نظرخواهی به طرح و تدوین
و تصویب قانون اساسی جدید و بی‌ریزی پایندهای حاکمیتی
که پاسخگوی خواستهای اکثریت عظیم خلقهای ایران و
رهسپاران راستین انقلاب ایران باشد، انجمن آذربایجان در
پیرو اعلامیه‌های قبلی باردیگر ضمن تأیید حقانیت و اصالت
تاریخی انقلاب و تأکید بر استقلال و تمامیت ارضی و یکپارچگی
ایران و طرد هر نوع تهمت تجزیه طلبی، مصرانه خواستار
آنست که مسائل و موارد زیر در حفظ و حراست حقوق قومی
و فرهنگی خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ایران تأمین و
تثبیت گردد.

۱ - رعایت کلیه اصول و موازین مندرج در اعلامیه
جهانی حقوق بشر و سایر میثاقهای بین‌المللی در تأمین حقوق
انسانی و دموکراتیک خلقها در رابطه با حق خودمختاری قومی
و فرهنگی.

۲ - تقبیح کلیه شیوه‌های تحقیر و تحریف‌شئون تاریخی
و فرهنگ قومی و طرد کلیه اشکال ستم ملی که در دوران رژیم
مطرود شاهنشاهی بر خلق آذربایجان و دیگر خلقهای ستمدیده
ایران روا گشته و اعاده حیثیت از محکومان سیاسی و تبعیدیها
و اعدام شدگان.

۳ - شناسائی زبان و فرهنگ ملی آذربایجان و تأمین
امکانات آموزش زبان ترکی آذری بعنوان زبان مادری و ملی
و تدارك کتب و وسایل آموزشی به این زبان برای سال تحصیلی

۵۸. وسالهای آیند .

۴ - ایجاد امکانات عملی گسترده در دانشگاه تبریز و سایر دانشگاهها و مراکز علمی و فرهنگی آذربایجان در جهت پژوهش در شئون گوناگون زبان و فرهنگ و هنر و ادبیات و فولکلور آذربایجان .

۵ - به کاربردن زبان ترکی آذری در برنامه های کلیه وسایل ارتباط جمعی در آذربایجان و اختصاص دادن برنامه های متناسب در این زبان در وسایل ارتباط جمعی شبکه سراسری ایران برای استفاده آذربایجانیهای مقیم مرکز و سایر نقاط ایران و همچنین احداث مدارس دوزبانه در مناطقی که بخشی از سکنه آنها را ترک زبانها تشکیل میدهند .

۶ - ایجاد شرایط مساعد برای راه افتادن و رونق پذیرفتن منابع فکری و هنری مردم در ابداع آثار ادبی و هنری و بخصوص همگامی در راه احیای موسیقی و تئاتر آذربایجان که بتواند اصالت و رونق پیشین خود را بازیابد .

۷ - حق استفاده کتبی و شفاهی از زبان ترکی آذری در دستگاه قضائی و سایر مراجع و ادارات دولتی بطوریکه مردم بتوانند درخواستها و مشکلات خود را در زبان مادری مطرح کنند و به نتیجه برسانند .

۸ - تفویض مختاریت منطقه ای در تمشیت امور اداری و فرهنگی و قضائی و اقتصادی و انتظامی از طریق شوراهای انجمن های منتخب خود مردم و تاکید بر اینکه نمایندگان قانونی و مسئولان اداری همگی از میان خود مردم آذربایجان برگزیده شوند .

۹ - کوشش در رفع موانع و مشکلاتیکه در دوران حکومت رژیم منحوس دامنگیر شئون اقتصادی آذربایجان گشته و همراهی و همگامی در احیای کشاورزی، صنعت و تجارت منطقه بطوریکه خود کفائی و شکوفائی خود را بازیابد و بر اساس اقتصاد مستقل و ملی مستقر گردد .

دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

انجمن آذربایجان

آغاغیدائی مقاله ، کهر این صنعتی و انشاهاهندا تفکهل اولموش بیر ییفینجاقدای
آپاریلان هالتهلهدان آئینمیش یساره‌اشتلار اساسیندا حاضر لایمیهیر مقاله‌لین مضمونی
مجموعه میلین عمومی گنجهلی ایله اولموش اولموشی ایچون ، اولو درج ائتمکی یئرلی و
پارارلی گوروروک

آذربایجاندا ملی ستم حقنده

م. ع. یاشار

تاریخی باخیمندان، ایراندایاریم قرنندن چوخ دوام ائدن قورخونج استبداد
رژیمی ، اساسدا بیرینجی دنیا سواشیندان صورتا ، دنیا امپریالیزمی و خصوصیه
انگلیس امپریالیزمینین مباشرتی ایله بیر استراتژی کیمی آریا قویولدی. بواستراتژییه
اساساً، بیر چوخ مملکتلرده اولدوغی کیمی، ایراندایا بیر «قدرتلی و متمرکز» نظامی
دولتین ایش باشینا گلمه‌سی، امپریالیزمین ایکی اساسی هدفینی تأمین ائده بیلیردی. بوهده
فلردن بیر، بیرینجی دنیا محاربه سیندن صورتا ایرانین شمالی همسایه سی روسیه
ده باش وئرن انقلابین ایراندا آخیشینین قاباغینی آلماتق وایکینچسی ده ایرانی
اقتصادی دورومدان غرب امپریالیزمینه باغلی ساخلاماق ، اونون طبیعی ثروتلرینی
تالاماق و بازارینی دا امپریالیزمین مصرف بازارینا چتویرمکدن عبارت ایدی.
بئله بیر ضد ملی وضد دموکراتیک نقشه‌نین اجراسیندا ، ایران میلیتاریست
حکومتی و اونون باشیندا دوران رضاخان و صورادا اونون اوغلونون اساس وظیفه
سی، مشروطیت انقلابیندان اله‌اآئیلن هر جور ملی و دموکراتیک امکاملاری آرادان
قالدیرماق و هر جور آزادیق و استقلال تولجولری یئرینه نظامی - استبدادی بیر رژیم
حاکم ائتمک ایدی. هر جور اجتماعی سیاسی آزاد لیقلاری آرادان آپارماق، خلقین
انقلابی روحیه سینی چکمه‌آئیندا سارمیتماق، سوز و دوشونجه آزاد لیغنی هامیدان
سلب‌آتمک، ایرانی اوجسوز - بوجاقسوز مبارزانلارین زندانینا چتویرمک، ملی و
قاباقجیل فرهنگ یئرینه قوندارما و اویدورما استعماری - ملیتچی فرهنگ یرلشدیرمک
ویری گلینجه ده امپریالیزم عامللری و ساتیلیمیش «تئوریسینلر» طرفیندن حاضر لانان

زوراکي «رفورم» و «آغ انقلاب» يولاسالماق هاميسي بونقشهئين اجرا ميشتا
آپاريلان تشيدين سواي بيريشي اولاييلمزدی.

* * *

بونظامي - استبدادي رژيمن اساسي وظيفه لر يندن بيری ده، ايراندا «مترکز
حکومت» بارالماق مقصديله، فتودال - بورژوا شووليزمي نفعينه، بوتون ايراند اياشايان
خلقلرين ملي و فرهنگي وارليقلارينی انکار اتمک و اونلارين دوغما خصلتlerini،
آداب و عادتlerini مسخره به قويماق و آياق آلتيناسالماق ايدی.

بوياريم قرقدن اوزون سوره دن دوره ايچرسيپنده، ايران خلقلرينين ملي و
مديني وارليقلارينی، تاريخي هويتلرين آزادان آپارماق اوچون هر جور ضد انساني
و بشرينه يارامايان تشبيلره القويولدی. بونخلقلرين باشاديقلاري منطقه لر اقتصادي -
اجتماعي جهندن داليا آتيلدی و رکود حاليناساليندی، ايران اساسي قانونوندا
و آيري - آيري قانونلاردا بونخلقلرين نفعينه اولان قسملر فسخ ائديلدی. مرکوزه
يرلشميش نظامي - استبدادي حکومت توز آلچاق، سوادسيز و ياراماز نوکرلرينی
بوناسيحه لره حکومت باشچيلاري و مجلس نماينده لري کيمي تعيين و تحميل ائدی.
هر جور دموکراتيك، صنفی، ملي و فرهنگي حرکتهن چوخ کسکين و آمانسيز
صورتده قسايغي آلتيندی هر بير دوغما وارليني و ملي فرهنگي اوچون چالیشان
انسانلارا «متجاسر» و «تجزیه طلب» آدی وئريلدی.

بو آغیر و دؤزولمز خفقان ايللرينده، ايرانين آيري - آيري خلقلري کيمي،
آذربايجان خلقي ده توز دوغما ديلي، يرلي خصوصيتلري، قومي فرهنگ و مديني
ايله ياشاماقدا محروم ائديلدی. اونون وارليني و باجساريغسي توز ساغلام تکميل
بولونوتايمادان تاپدالاييب آزادان چيخاريلدی و اونون ان ياخشي انساني خصلتلري
نفي ائديليب مسخره به قويولدی.

آذربايجان خلقينين ايرانداباش وئرن آزادليق حرکاتيندا و اورادا جانلانا انقلابي -
دموکراتيك قياملار جريانيندا بويوک رولي اولدوغی، بونخلقين مشروطه انقلابي و
اوندان سونراکي آزادليق حرکتلرينده پيشقدم اولمالاري ايران استبداد رژيمينی
بورادا ايکي قات استعمار و ضد ملي سياست آپارماغا سوق ايتمشدر.

بونقائلي وقورخولي ايللرده ايرانين آيري خلقلري کيمي آذربايجان خلقي ده

هوتون دموکراتیک و اجتماعی حقردن محروم ائدیلدیگی حالدا، هرچوردو ضماو ملی حقدن محروم اولدی. اونون آزادلیغی، وارلیغی، دیلی، فرهنگ و تاریخی هویتی فاشیزم و قزاق چکمه‌لری آلتیندا ازیلدی و بر اووچ ساتقین خلق دشمنی اونون سرنوشته حاکم تیکیلدی.

هله بوایللرده آذربایجاندا حکومت مأمورلارینین خلقین وها میدان چوخ شهر و کند یونخسوللارینین حیات و سرنوشته مسلط اولدوقلاری کیمین یادیندان چیخاییلیر؟ هله آذربایجاندا اونلار جاعبداله مستوفی لر و دکتور محسنی لر و شاه بختی-لر کیمی «حضرت اجل» لرین «استاندار معظم آذربایجان» و «ریاست کل معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» و «فرمانروای نظامی آذربایجان» عنوانی آلتیندا آپارد-یقلاری یاراماز و چیرکین مستعمره چلبیک سیاستنی کیم اونوداییلیر؟ هله ئوز هویتلر-یندن خبری اولمایان «عالم» و «تئوریسین» لرین آذربایجانلیلارا تکلیف تعیین ائدیپ و «هویت تاریخی» اویدوران اوتانمازلاری کیم یاددان چیخاراییلیر؟ هله باغلادیلمیش تیاترلارین، یاندیریلیمیش کتابلارین، یوزلر و مین لرجه خلقین استعداد-لی و شرقلی اوغوللارینین سینه لرینده بوغولان هیچقر تیلا رین و اورک چیرپتیلا رینین آجی خاطره‌سی هاچان و نه ایله آذربایجان ملی مدنیتینین صفحه لریندن سیلینه بیلیر؟ بو ۵۰-۶۰ ایلین عرضینده آذربایجان دیلینده دانشماق، یازماق، اوخوماق و درس و ترمک علیه‌آپاریلان ضد ملی سیاست ئوزی ئوز لوغوئدا بر قاجه‌در. دکتور حماد الملک محسنین و اونسان صونرا حسن ذوقی نین آذربایجان «ریاست معارف» مقامیندا آپاردیقلاری وظیفه لرین بیر و ان مهمی آذربایجاندا مدرسه لرده آذربایجان دیلینین یاساق ائدیلمه‌سی و ملی مطبوعات و کتابلارین منسوخ ائدیلمه‌سیدی. هر تور کجه دانشان معلمی ایشدن چیخارماق و هر ئوز آنا دیلینده دانشان محصلی جریمه اتمک و هر بیر آذری دیلینده چیخان کتاب و یا زینتی یاندیرماق اودوره‌نین اولدوقجا معمول ایشلریندن ایدی.

بو قورخونج و قارائلیق ایللرده بیر آیری قاجه آذربایجان ملی تاثیرینین تعطیل ائدیلمه‌سی و آذربایجاندا خلق دیلینده تاثیر اثر لرینین یونخا چیخاریلما سی ایدی. تاثیر ایراندا هریردن اولد آذربایجاندا باشلامیش و ۱۳۵۸ - ۱۳۱۵ شمسی ایللرینه قدرده چوخ موفقیتله ادامه تاپمیشدر. لکن بوایللرده ینه آقای دکتور محسنی تبریزده و آیری

شهرلرده آذری دیلینده تئاتری قدغن ایتمش و بو ضد فرهنگی ایشی نوز «افتخارات»
لارینا آرتیر میشدی.

تیریز دانشگاهنین ادبیات فاکولتهسی طرفیندن اوزون ابللردراج آیلیق بیر
ادبی - تحقیقی نشریه چیخما خدا در. بونشریه نین بونون دوره لرینی باشدان باشا
ورقله سیز اورا داختی بیر صفحه یابیریت آذری دیلینده مطلبه راست گله ییلمز سیز.
دئمک اولار کی بونشریه نی یولاسالانلارا آذربایجان خلقنین وارلیغی، دلی،
فولکلوری، ادبیاتی ویرسوزله اونون ملی فرهنگی هج - پوچ حکمتده در.
بودوره ده آذربایجاندا آپاریلان ضد ملی و ضد فرهنگی سیاستدن یوزلر و مین
لرجه بوجور نمونه لر گومشرمک اولار. ایگیرمیشمی عصرده بو کیمی باراماز ایشاره ال
آتانلار اوتانجیلاریندان قیزار سالار یاخشی اولور ...

طالعیمه سن باخ!

دوشونجه لریم یاساق

دوغولاریم یاساق

کچیشمدن سوز آچماغیم یاساق

گله جیگمدن دانیشماغیم یاساق

آتا - بابامین آدین چکمه کیم یاساق

آنامدان آد آپارماغیم یاساق...

... ییلیر سن؟

آنادان دوغولاندانبله

نوزوم ییلمیه - ییلمیه

دیل آچیب دانیشدیغیم دیلده

دانیشماغیم دایاساق ایتمیش، یاساق!

ب. ق. سهند

دیلیمیز حقیقته

آغاران فجری سلاملارکن ...

ج - ن - آ

۱ - دیلیمیز ، بو گویهرمه و چیچکلنمه باهاریندا نه حالدار ؟

۲ - زنگین دیل نه دئمکدر ؟

۳ - خالص و آریتمیش دیل نه در ؟

بو سواللارا جواب وئرمک یئرلیدر . بیر نومره لی سوال ایله سؤزه باشلیق .
دیلیمیز آذربایجاندا شد تلی تضییق آلتیندا اوزون قارانیق گنجه کچیرمیشدر .
خلقیزین و دیلیمیزین فوق العاده جانلیلیغی و دینامیزی اولماسایدی ، چوخدان بوخلارا
قاریشمیشدی . بو تضییق بهرتران راسه لین دئدیگی کیمی هم «چیریل چهلایق زوربالیق» و
هم ده «اؤرتولو زورلاما» شکیللرینده پوردوموزدا خلقیمیزه و دیلیمیزه قارشی اعمال
اولموشدر . بورادا آنجاق دیل مسئله سینه توخونا جاییق .

«آچیق - آشکار خوشننه» مثال ، دیلیمیزده یازیلان کتاب و مجموعه و نغازتلرین
چاپ و توزیع امکاملاریندان رسماً و علناً معروم قالماسیدر . حتی بو دیلین موجودیتینه
کیچیک بیر اشارت ده قدغن ایدی بئله بیر خطا مرتکب اولموش نشریه ییقلر ناسرو یازیچی
ساواکین صورغی - سوالینه معروض قالیردی^۱

کتبی مصنوعات ایله قوشا اولاراق دیلیمیزی مدرسه لردن ، معکمه لردن ، جمعی
ارتباط واسطه لریندن ، مجلسلردن و سالونلاردان قوودولار . اوز دیل لرینده یازماق او-
خوماق و حتی دانیشماق دان معروم قالان خلقیمز منلیگینی ایتمک و هویتسیر قالماق
تهلکه سینه معروض قالدی . عاشیق لاریمیزین اوز لرینی دگیل حتی بیر تک مجسمه سینی
بئله خلقیمیزه چوخ گوردولر .

غیر مستقیم زوربالیق و «اؤرتولو زورلامالار» گلینجه بوایشی آلتدان - آلتدان
بجه ردیلر . اؤز دیلیمیزدن ، سؤزوموزدن ، تاریخیمیزدن ، قهرمانلاریمیزدن ، وارلیغ-
یمیزدن و نتیجتاً انسانلیغیمیزدن آیردیلار . ییزده آریائی شووینیزم شلینه قاریشدیق .

اويدورما تاريخلار و ناغييللاري بيزه مطلق حقيقتلر كيبي داملا - داملا ايچيرتديلر * بيزي
 ئوزوموزه غريبه و حتى دشمن ائله ديلر. بيزده، بيزدن اولان، دوغما اولان، هرشيئي
 بيزدن آيرماق ايسته ديلر. اوشاقلار بيزين آدلاريندان توتون، اسطوره لريميزه قدر،
 هويتيميزي خاطرلادان آن كچهك بير قرينه و اشاره يه بئله گوز يومساديلار. بيزي
 حقارت حسي ايله چارهديلار. بير - بيزيميزله، حتى اوشاقلار بيزلا، ياشي - ياپالاق و
 «اوزعالمينده فارسي» دانيشماغي دوزگون و گوزهل توركجه ميزه ترجيح ائتديك. بير
 ميلليوندان چوخ آذربايجانليني ايجينده بارينديران طهرالين تلويزيونوندا، موسيقي نامينا
 قالا - قالا «توقوش» دن ايلده - آي دا بير «سكينه داي قيزي» سينا قالدي. طياتروموز
 صون نفسلريني وئردى. بيزايكيجي درجه وطنداشليغي قبول ائتديك. گچميشيميزه قلم
 چكملك، اويدورما تاريخلري آيه لركيمي ازيردن تكرارلاماق و آنجاق اوزلوقوموزي
 انكار يهاسينا، اليميزدن آلتينقلاري حقلريميزين قهرينقلاريني يئردن يغمماغا اجازه طاهديق
 قول و «چاكر» اولماق مقابيلينده آچيقتوسه ريلي يغمما سفره سينين آشاغي باشيندا اوتورماغا
 اذن آلايلىك. اما سفره نين باشينا كچهك ايچون قات - قات خيالكلره دوغماق اولماق و
 حتى ديرمكلره قدر قارداش قانينا بولانماق شرطدي.

نه ياخشى كه ديلميز سوادسز، ناموسلى و زحمتكش كندلسي و ايشچيلريميزين
 غيرقارينه امانت اولدى. مشورلريميزين اكريسى چوخدان فارسلاشديلار، يادلاراپارانماق
 و خلقموز و ديلميزه عدوات يولوندا، شاعرين دئديكي، كيمي، دشمنلري بئله گچميشلر
 و اونلاري حيران قويدولار.^۱

ناصر خسروون دئديكي «از ماست كه برماست» سؤزني بير دفعه داهي دوغرولا
 ديلار. شهر لريميز و قصبه لريميزين آدلارينا قدر فارسلاشدي. ياواش-ياواش توركجه
 ميز بير نوع «قاپيتولاسيون» و «هه كه موني» يه اوغرادي. تام معناسيله آذربايجانيميزا
 «آپارتهايتنه» ين قارائليق كابوسي چؤكدي. ايندي ديلميزين نه حالده اولدوغوني بومقدمه لي
 خاطر بيزده سا خليا راق تدقيق ائتمه ميز گره كدر.

«نظر به اين كه جناب آقای فلان مدير كل اداره داد گشري استان آذربايجان بوردادر...»
 بورايا قتل ائتديگيميز سطرلر بوتون ظواهره رخصاً گونا توركجه بير نطقون باش طرفيدير.
 بونا يئره دانيشما مودللري، ديلميزه عارض اولسوش بير نجهه علتين نشانه سيدر. بوخاريدا
 سؤزي گئچن هه كه موني علتى ديلميزده دوزگون و آسان كلمه لر واركن فارسجادان
 حسابسز كتابسز كلمه لر «وارد» ائتديك و بوكولتوره ل «دامه يتق» نتيجه سي اولاراق ئوز
 ديلميزي افلاس اوچورومونا ايتله ديك.

هيچ شيهه سبز هرديل ئوز تاريخي تكامل جريانندارابطه ده اولدوغى باشقاديلكلره
 كلمه آليش و ئيريشنه گچهر. بو «دخيل» كلمه لر بعضاً ديلين بنيه سينده اوزلرينه گره كن
 يري آلارلار. بونلار معين احتياجلارا جواب وئره لر و مشخص قاعده لره تابع اولورلار.
 بئله ليكله توركجه ميزه گيره ن كلمه لر ديلميزين تلفظ قاليينا اويارلار. تازا بير مفهوم

۱ - احبا حيره عدوان دا محبوب ايلر اعدايى - خدا كوسترمه سون اسباب اضمحلال

و يا بىر معنا اينجه ليكى ارمنغان كىررەك گىردىكلرى دېلى بو جەتەن زىنگىنلشدىرلر.
 بونلارېن ھامىسەنېن باشىندا دېلىن صرف ونەو قانونلارېن بويون اكرلر. طبىقى بىر مەملىكەتن
 تايىتىنە كىرەن بىر انسان كىمى بونلاردا تازا وطنلرېنېن قانونلارېن تايىع اولمالىدىرلار
 و باشقا وطنداشلىركىمى ھەركەت ائىتمەلى و اونلارلا عىنى شرايطدە بىر بىر باشامالىدىرلار.
 بونا كۆرە نىسبى مەنتلر اضافە تەركىپلر، تەصرىف ھەرتلرى السخ... تازا دېلىن قاعدەو
 قانونلارېن اويمانقادىرلار. بوخارىدا دۇراندېلىن مەثالدا، اول، تەركىپلر مەنتلر ھەرتدە
 تۈرگىچە لىشىدىرىلمە لىدىر. «نظر باين كە» سۆزۈنى الە آلاق: دېلىمىزدە، بىلە بىر سۆز
 بوخەدور. [نظر باين كە او بوردادر، پىرىنە بىلە دىيە بىلرەك: اونون بوردادر **اولدوغونا**
كۆرە...]

«جناب آقای فلان» اگلىكە: «آقای فلان» ى اىستەر. اىستەمىز قبول ائىتمەكەدە
 آرتىق بونون باشىندا بىردە «جناب» مەخماق اونى چكىلمەز ھالە كىررەر. اقلا «آقای فلان»
 جنابلارى، دئىمەلى يىك. اما «آقا فلان جنابلارى» داھا چوخ مەناسىدەر.
 مەتالىمىزدا «مەدىركل اداره دادگستري استان آذربايجان» سۆزلرېنە كلىمەدە: بو
 ھبارە دە «دادگستري» و «استان» كلىمەلرى ھەقتە بىر تۈھىيە احتىياج واردر. كلىمەلرى
 بىر دىلەن باشقا بىر دىلە كرىپ و تازا دېلىن مەالى اولدوقدان ھونرا رەپتەلرېنى كلىدىكلرى
 دىلەن كىسەرلر و بونەدان ھونرا اولكى دېلىن تەغىر و تەكاملونەن آرتىق مەتالر اولمازلار.
 عدالت مۇسسەسى مەملىكەتمىزدە اىلك قورۇلدوغى زمان بو مۇسسەسە تىن آدى دېلىمىزدە
 «عدلىيە» اولاراق كىچىدى وائە دە قبول اولدى. داھا ھونرالارى فارسچادا تەھفە ھەرتلرى
 وجودە كلىدى «فرهنگستان» فارسچادا «عدلىيە» پىرىنە «دادگستري» كلىمە سېنى ھەجىدى.
 بو تەھفە و دكىشمە طەبىئەتە فارسچا مەخسۇس در و دېلىمىزە ھىچ بىر علاقىسى بوخەدور.
 مادام كە «دادگستري» فرەنگستانىن اۆز تەصرىفى اىلە عىنا «عدلىيە» دئىمەكدر و بو تازا آد
 آتەجاق لغوى مەلەھلەلرېن مەھسۇلىدر، دېلىمىزدە نە آھەنگ و نە تەھفە و نە زىنگىنلشدىرە
 نظرىنەن «دادگستري» نى «عدلىيە» پىرىنە تويمانقادا ھىچ بىر مەنا بوخەدور. بونا كۆرە
 «عدلىيە» دېلىمىزدە. داھا مەناسىب بىر مەادل طەبىئەتچا ياقدر. قالاچاق و «دادگستري»
 فقط و فقط فارسچا مەخسۇر اولماقادر. «استان» لغتى دە بىر آفرىقلى اولماقلا بىر بىر عىنى
 دىل لىرە كۆرە دېلىمىزدە «ايالت» يازىلمالى و «استاندار» دا طەبىئەتە «والى» اولمالىدر.
 بوخارىدا مەلەھلەلەندىلدىكى ھەھىلە «فرهنگستان» لغتى بو مۇرد دە قبول اولاراق
 عىنا يازىلر زىرا او اوزۇنە خەس بىر مۇسسەدر و داھا اول بىلە بىر شى بوخەدى.
 خەلەسە وئردىگىمىز مەثالدا «نظر بە اين كە جناب آقای فلان مەدىركل اداره دادگستري
 استان آذربايجان بوردادر» بىلە اولمالىدر: **آذربايجان ايالتى عدلىيە ادارسىنىن**
عموم مديرى آقای فلان جنابلارېنېن بوردادر اولدوغونا كۆرە....

كەچىن دورىن ووردوغى ضررلرېن مەكن اولدوغى قدر تەلەسى اىچون بىر نەچە
 نەقە يە دقت ائىتمەك لازمدر:

۱- ادارى، قەضائى، سىياسى و باشقا رەسمى تازا «فرهنگستانى» اصطلاحلار دقت -
 ائىدىلمەلى. اونلارېن اېقاسىنا مۇجە بىر سەبب اولمازسا دېلىمىزىن بىنەسىنە قەدىم دىن

يثرلشميش كلمه لر ترجيح ائديلر. «تازا» اصطلاحلار فارسجا زاويه سيندن مناسب اولسالار دايزيم ديلميزده الزاماً مناسب صاييلماز. مثلاً «پرونده» يازما يا جاغيق اوز ديلميزده داها مناسب بير لغته راستلامايتجايا قدر قديمدن اولدوغى كيمي «دوسيه» كلمه سيني ايشلته جگيز. هاشله در: قوشون (ارتش يثرينه)، مدعى العموم (دادستان يثرينه)، مدافعه وكيلى، قاضى، محكمه، محاكمه، تعقيب، مفتش، مستنطق...

۲- اصيل جغرافيايى آدلارى، اويدروما و قونداوما آدلارين يثرينه تازادان قويا جاغيق: اورميه، توفارقان، قاراچمن، آجى چاي، صابين قلعه، سلحاس... كيمي. هر جوره تردددين زاييل اولماسى ايچون جغرافيايى آدلار و رسمى اصطلاحلار دان بيرليست حاضرلانىلير. مثلاً ادارى، سياسى و نظامى رتبه و ساير ضرورى اصطلاحلار، تازانسلىن استفادهسى ايچون، فهرستلر صورتينده ارائه ائديلمه ليدر.

۳- غرامر خطالارى دقتله تعقيب ائديلمه لى و محازتلر يثرينه ده ديل بحثلرى آچيلمه ليدر.

۴- اوزون ايسلر يين احمالى اولدو و نموش خالص و اصيل كلمه لر يثري آذربايجانين گنيش كولتور ساحه سينده دده و بايالار يثريين اثرلريندن چيخارديب تائيمالى ييق. دده قورقود، نسيمي، ختائى و قصولى دن تا دون كى شاعر و ياراديجيلار يثريين اثرلرينه قدر ائيميزده كى ميراث توكنمه ز بير خزينه در. بو اثرلرده ايشله ديلميش كلمه لر تائيلمالى و اوخوييجيا ايضاح ائديلمه ليدر.

۵- مختلف گوشه لرده خلق يثريين آغزيندان و زنگين فولكوريندان مناسب كلمه و اصطلاحلارى آلمالى و اونلارى ايشلتمه لى ييك.

۶- ديلم يثريين قانون و قاعده لر يندى فايدالاناراق دوزلديله چك و ياراديلاجاق كلمه لر دن محتاج اولدو و غوموز مناسب تعبير و لغتلرى سچمك و خلقين رد و يا قبولونا عرض ائتمك لازمدر.

بونلار و بونلارا بشره تدبير لرله ديلم يثريينى باشدان بوي آتاجاق و ان كوزل يثريي اثرلرله اوره كلر يثرييه قوت و گوزلر يثرييه ايشيق و ثره چكدر. بو بحث دوام ائده چكدر.

آذرى تور كچه سىنىن تارىخىنە قىسقا بىر باخىش

يازان : دكتور جواد ھىيت

ھىمىزىدىن اول ، تورك كىلمە سىنىن ھاردان كىلىدىكىنى و نە دىمك اولدوغونو
آلتىماق لازم در. تورك كىلمەسى تۇرە مەكىن ، يعنى تولىد مىل دن كىلر وقوت مەناسىنى
داۋىر مەكىد در. بوآد ، بىر دولت آدى اولاراق ايلك دفعە ۱۱-ىنچى عصر مىلادى دە بوگونكى
مغولستان اولكەسىندە قورولان كۆك تورك حكومتىنە وئرىلدى . اسلام دان اول ،
تور كچه دانىشان اقوامىن ھامىسىنا تورك دىيىلمىزدى . بو قىيىلە لرىن باشقا باشقا
(اغوزياغىز . بچىك . قىچاق . تورك) آدلارى وارايدى . بو قىيىلە لرى اسلامى قبول اديب
ايرانا كىلىدىكىن صونرا ھامىسىنا تورك دىيىلدى .

تورك كىلمەسى ، نژادى افادە ائىدىن بىر كىلمە دىگىلەر . اورتا آسيا توركلرى دە آغ
نژادىن تورانى قولوندىن صايىلير . بوگون تورك كىلمەسى ، دىل و فرەنگى مەھومدا
تور كچه دانىشان و تورك غەنىياتىلە تانىنان خەلقلەر دىيىلير .

واما آذرى تور كچه سىنە كىلىنچە ، آذربايجاندا و ايرانىن بىر چوخ يىرلىرىندە و
حتى تركىيە نىن شرق ولايتلىرىندە (قارص و اردحان) خەلقلرىن آنادىلى اولان آذرى تور كچه
سى ، يىدى يوز ايلدىن چوخ دوركى بو اولكە لرىن اساس دىلىنى تەشكىل ائتمەكە در . بو دىلىن
تارىخى دورومونى تەدقيق و مطالعة ائىدىكىن ايكى مەسىلە يە توجە ائتمىگىمىز لازم كىلر .

بونلاردان بىرىسى بو دىلىن بو اولكە لردە يايىلىپ خەلق دىلى اولماسىدر . بو ايش
تورك ائلىرىنىن تارىخ بويونچا مەھاجرتلىرى و بورالاردا اتوراق ائتمە لرىلە مەكىن اولموش .
ايكىنچى سى دىلچىلىك (فيلولوژى) نەقشە نەزىرىدىن بو دىلىن انكشائى و بوگونكى حالا
كىلمە سىدر .

تورك ائلىرىنىن اورتا آسيا دان ايرانا كىلمە لرى ساسانى لرىن زامانىدىن باشلامىشدر .
انوشىروانىن فارسجايا تەرجىمە ائىدىلن يادداشت لارىندا بو موضوع آچىخ جاذاكر ادىلمىشدر (۱)
اسلام دان صونرا اوچ بۇيوك مەھاجرت اولموش : بىرىنچى سى مىلادى ۱۱-ىنچى
عصر دە سلجوقلارلا باشلامىش و توركلر آنا طولىاقدىر ايرەلى كىتىمىش لرى و بورادا سلجوقى
دولتىنى قورموشلار .

ايكىنچى بۇيوك مەھاجرت مغول لارلا باشلامىش . مغول لار تورك دىگىلدىلر ، اما
اوردولارىنىن چوخونو توركلر تەشكىل وئرمىشدى . اوچونچى بۇيوك مەھاجرت ، امير

تیمور زمانه‌دا اولموش و اونندان صونرا دادوام اتشمیشدر . امیر تیمور عثمانلی پادشاهی ایلدرم با یزیده غالب اولاندان صونرا توزیلده یوزمین دن چوخ اسیر گتیرمیش . بواسیرلر آناتولی داکي تورکلردن اولموش اردییل اطرافنده بیرلشدیریلیمیشلر . بواسیرلرین نوئلری صفی الدین اردییلی نین اولادلاری باشینا ییغیشدیلاز و شاه اسماعیل صفوی سلطنتینی قوردولار . (۳۵۲) .

صفوی لردورینده آذربایجان تمامیلده تورکلشمیشدی . تورکلردن قاباخ آذربایجاندا مختلف آریائی لهجه لردانییشیلیردی . تورکلر یوزانین قدیم یئرلی خلقینه تات دییردیلاز . ایندی خلخال اطرافندا و باکو نین شمالیندا قوناخ کندینده تات دیلی دانیشیرلار . کسروی و باشقالاری بودیلی کتلیقی اتشمیش و اونا «آذری» دیلی آدی وئرمیشلر .

آذری تورکجه سی وئرکمنجه ، تورک دیلینین غرب لهجه سی نین شرق شیوه لریله . غرب تورکجه سی قدیم تورکجه نین اغوز لهجه سیدیر و اون اوچون نجو عصر دن صونرا عثمانلی تورکجه سی و آذری تورکجه سینده آیریلیمیشدر .

قدیم تورکجه اورال آلتای دیل گروهونا باغلی و قدیم ترکستانین دیلیدر . تورکلر قدیم زجاندان تورکستانین شمالیندا اورال - آلتای منطقه لرینده اول حالیندا یاشاردیلار .

صونرا یوزادان هر طرفه کؤچموش و دیللرینی ده ملی داستانلار و عنعنه لر ایله بیر-لیکده آهاریمیشلار .

قدیم تورکجه خاقانی تورکجه سی ده دئییلیر . بودیلده قدیم دن قالان مزار داشلاری اوستونده قازیلان یازی لار مغولستانین شمالیندا اورخون نهری جواریندا تاپیلدی و ایلک دفعه کچن عصرین صونوندا دانمارکلی طومسن طرفدن اوخوندی . بومزار داشلاری سکیزینچی عصر میلادیه مربوط دروگوک تورک پادشاه لارینیندر . بویازیلاز اورخون الفباسیله یازیلیمیش . بوالقبانین دورت سسلی و اوتوزدورت سس سیز حرفی واردر . (۴) ینی شی مزار داشلاری یازیلاز داها شمالدا ، ینی شی چاینین وادیسینده تاپیلدی . بویازیلاز ایکسی یوز ایمل اورخون یازیلازیندان داها قدیم درو قیرقیز تورکلریندن قالیمیشدر .

تورک دیلی اتصاقی و صون یاپیشیملی (پسوندی) دیللردندر . بو گروه دیللرده کلمه لرین کؤکو (ریشه سی) دگیشمز . کلمه نین صونونا یاپیشیلان و یا آرتیریلان صون اکلرده مختلف کلمه لر و منهولار حصوله گلیر . فارسی و یافارسجا هند و اروپائی دیللردن اولوب ، تحلیللی دیللره منسوبدور . تحلیللی دیللرده صرف اثناسیندا کلمه نین کؤکوده گیشه ییلیر . مثلاً «گفتن» فعلینی صرف اندرکن « بگو » و «میگویم» ده فعلین کؤکو اولان « گفت » دگیشمیشدر .

۱۲ و ۱۳ اینجی عصر لرده واقع اولان بؤیوک مهاجر تلسیراسیندا اسلام دینی نی قبول ائتدیکندن و تازه یئرلره گلدیگدن صونرا ، اسکی تورک لهجه سی و یا ترکی قدیم ایکسی تازه لهجه یه یعنی غربی تورک و یا اغوز لهجه سی و بیرده شمالی - شرقی لهجه سینده آیریلدی .

شمالی - شرقی تورک لهجه سی قدیم تورکجه نین دوامی اولدوغو حالدا بیر عصر دن صونرا ایکی ینی (تازه) لهجه یه یعنی شمالی و یا قفقاق لهجه سی و شرقی و یا جغتای لهجه سینده آیریلدی .

جغتای لهجه سی امیر تیمور زمانیندا باشلیاراق ۱۵ و ۱۶ اینجی عصر لرده قدر تکامل اندیب صونرا اوزبک لهجه سینین میدانا گتیردی . جغتای لهجه سینده بؤیوک شاعر علی شیرفوائی نین دیوانی کیملی قییمتلی اثرلری یازیلیمیشدر .

سکیزینجی عصرده اوغور تورکلری گؤک تورکلری شکست وئریپ اونلارین یئرینه حکومت قوردولار . اوغور تورکلری بودا و مانئی مذهبینی قبول اندیب مانئی دینی ایله سیرانی الفباسینی دا اوزلرینه الفباسیچدیله . دو قوزونجی عصر دن قالان و اوغور الفباسیله یازیلیمیش داش یازی لاری اوغور خانلاریندا قالماذر . بودا مذهبی نین مقدس کتابی آلتون یاروق (آلتون ایشیق) دایودوره ده سانسکریتجه دن اوغورجا یا ترجمه ادیلن کتابلارداندر . (۵)

تورکلرین مسلمان اولدوقدان صونرا یازدیقلاری ایلك اثر **قوتادقوبیلک** در معناسی سعادت وئرن بیلگی یا علم دئمکدر . شعر دیلیله یازیلیمیش بو کتاب قره خانلی لار زمانیندا ، ۱۰۷۰ ایلینده یوسف خاص حاجب طرفندن یازیلیب قره خانلی حاکمی بغراخانا اهدا اندیلیمیشدر . بواثر قدیم تورکجه یاخاقانی تورکجه سینده یازیلیمیش و عروض و زملی ، متقارب بحرینده مثنوی در . کتابین موضوعی اوگوت (نصیحت) و عقل و علمین فایدالاریندن بحث اندر . دانشمالار پادشاه و وزیر آراسیندا جریان تاپیر ، آشاغیدا بیر مثال ذکرده ائدهجه ییک :

بیلگ بیرله بگلر بسودون باشلادی

اوکوش بیرله ایمل کون ایشین ایشله دی

یعنی بیکلر بیلگی ایله ائیلن باشی اولدولار

ائل و ملت عقل ایله گونده لیک ایشلرینی اداره ائتدیله (۷۰۶)

اسلامیت دورانی نین ایکنجی بؤیوک اثری **دیوان لغات الترک** کتابیدر . بو کتاب اوچ ایل **قوتادقوبیلک** دن صونرا و کاشغرلی محمود طرفندن عربله تورکجه تورکتمک ایچون یازیلیمیش و بغداد خلیفه سینده تقدیم اندیلیمیشدر . بو کتابدا تورکجه نین گرامری و مختلف لهجه لری ، ائل لرین آدلاری و یئرلری شرح وئریلمیش واسکی آتاسؤزلری ده ذکر اندیلیمیشدر . (۹۰۸)

اوچوبخو مشهور اثرده ادیب احمد طرفندن ۱۲ اینجی عصرده شعر دیلیله یازیلان **عته الحقایق** در . بواثرین موضوعی دین و اخلاق در و عروضون متقارب بحرینده و موعظه شکلنده یازیلیمیشدر .

ادیب احمد آنادان دوغما کور ، فقط ایمان باخیمیندا قدرتلی بیر شاعر در .

اثری بش منظومه و یوز بیر رباعی دن عبارتدر . (۱۰)

آذربایجان اولکه سینده ایلك دفعه تورکجه شعر یازان قطران در . (۱۱)

نظامی گنجه ای لیلی و مجنونون مقدمه سینده تورکجه یازماق ایسته دیگینی بیان

اندرکن پادشاهین امریله اثرینی فارسجا یازمیشدر.
مولوی بوتون اثرلرینی فارسجا یازدیغی حالدا بیر نئچه ملمع و تورکجه شعر یازمیشدر. بورادا بیر ملمع و بیر ده تورکجه شعرینی کتیریریک: (۱۲)

دانی که من عالم یالقوزشی سورمن
 چون در برم نیائی اندر غمت اولرمین
 من یاز باوقایم بر من جفا قیلیرسان
 گرتومرا نخواهی من خودستی تیلرمین (دیلهرم)
 روئی چو ماه داری من شاد دل از آنم
 از آن شکر لبانت بیر اوپکی نن تیلرمین
 هر دم بخشم گوئی برقیل منم قاتیمدان
 من روی سخت کرده نزدیک تو دورورمین
 روزی نشست خواهم یالقوز سنین قاتیندا
 هم من چاخیر ایچرمین هم من قوپوز (ساز) چالارمین
 ماهی چوشمن تبریز غیبت نمود گفتند
 از دیگری نرسید من سویلهرم آرازمین
 تورکجه شعرى :

گله من بونداسنه من غرضیم یوخ ایشیدورسن
 قالاسان آندایا ووزدر (بداست) یالقوز قاندا (هارددا) قالیرسن
 چلبی (شیخ) درهامودیرلیک چالابا (بخدا) گل نه گزرسن
 چلبی قولارین اییستر چلبی ئی نه صانورسن
 نه اوغوردورنه اوغوردور چالاب آغزیندا قیغیرماخ (چاغیرماخ)
 قولاغون آج قولاغون آج بولاکیم (اولاکی) آندادولارسن

آذری تورکجه سیله یازیلماش انقدیم اثرلردن بیرى ده ده قورقود کتابی در. بو کتاب دا اوغوز ایلمین داستانلاری اثر و شعر دیلی ایله یازیلماشدر. داستانلرین بیر قسمی چوخ قدیم دروغتی اسلامدان قایماخکی زمانلارا مربوط دور. اوغوزلار آذربایجانا گلدیگدن صونرا تازه یئرلرینده کی آدلاری داستانلارا آلمیشلار. ده ده قورقود تورک اثرینه مخصوص اوزانلار یعنی سزلی خلق شاعر لریندند و قوپوزونو چالا چالا ایلی داستانلارینی دیله کتیریر.

ده ده قورقود ایلمن آق ساقالی و باش ییلمی در. او قهرمانلارا آدوانلارده اوگودوثریر.

بواثر گچن عصرین صونرندا برلین درسدن کتابخاناسیندا تاپیلدی. بیر مدت صونرا واتیکان کتابخاناسیندا آیری برنسخه سی اله گلدی. اثر ده تاریخ و مولفین آدی یوخدور. بیلکه نظره کلیرکی اثر ۱۶۱۵ اینجی عصرده یازیا آلمیشدر. ده قورود

کتابی دنیا شاه اثر لریندن و اولمز اثر لردن بیر چوخ دیلله ترجمه ادیلیمیشدر . (۱۳)

انگلیزجه ترجمه لردن فارسجا یا ایکی ترجمه سی چیخمیش . (۱۵ و ۱۴)
آذری لهجه سینده ان اسکی شاعر لردن بیر **حسن اوغلو** و یا پور حسن اسفراینی در .
بو شاعر ۱۳ اینجی عصرده یاشامیش و دولتشاه سمرقندی نین تذکرة الشعرا سینده
عارف و موحد بیر شاعر کیمی توصیف ادیلیمیشدر . حسن اغلو ترکجه و فارسجا شعر یاز
میشدر .

عماد الدین نسیمی ۱۴ اینجی عصرده یاشامیش و آذری شعرینین ایلک بؤیوک
استادی در . نسیمی ده دیوانینی ایکی دیلده یازمیشدر . حروفی طریقتینین باشچیسی اولان
تبریزی فضل اله نسیمی نین شاگردیدیر و یویولدا داشهید اولمو شدور . ۱۴۰۷ ده حلب
ده درسی سویولاراق اولدورولموشدور .

آذری شعرینین بؤیوک سیمالاریندان بیر **شاه اسماعیل ختائی** در . ختائی شیعه لیر
سیمی نین قوروجو سودور آیریجا خلق شاعریدر . اوئولدو کدن صوئرا آذربایجان و آناطولونون
شرق کندلرینده آدی داستانلارا کچمیشدر . (۱۶)

۱۶ - اینجی عصرین ان پارلاخ شاعری **فضولی** در . اوچ دیلده یعنی تورکجه ،
فارسجا و عربجه شعر سویله میش و باشقا تورک لهجه لری شاعر لرینده تاثیر ائتمیشدر .
بورادا اونون غزل لریندن بر نمونه گتیریریک :

منی جانداں اوصاندردی جفادای یار اوصانمازمی

فلکلر یانیدی آهیمدان مرادیم شمع یانمازمی

قامو (هامی) بیمارینه جانان دوا ی دردا ندر احسان

نیچون قیلمازمنه درمان منی بیمار صانمازمی

شب هجران یانار جانیم دو کرکان چشم گریانیم

اویا دیور خلقی افغانیم قارایختم اویا نمازمی

گل رخسارینه قارشی گوز ومدن قانلی آخار صو

حبیبم فصل گل دوربو آخار صولار بولا نمازمی

غمسی پنهان ادردیم من دیدیلر یاراقیل روشن

دیسیم اول یسوقا یلیم ایتانورمی اینسا نمازمی

دگیلیم من سنه نایل من ایتدین عقلیمی زایل

منه طعن ایلین غافل سنی گورجک اوتا نمازمی

فضولی رندوشیدا در همیشه خلقه رسوا در

صورون کیم بونه سودا در بوسودا دان اوصا نمازمی (۱۷)

آذری شاعر لری نین مهم بیر عده سی خلق دیلینده شعر قوشمیشلار (**شاهی**
ادبیات) بونلار ساز شاعر لریدر . و خلق داستانلارینی شعر دیلله و سازلایان ائتمیشلر .

بوگونون عاشق لاری بوساز شاعرلری نین یادگاریدر . ۱۷ اینجی عصرده شاه عباسین فارسجی لیق سیاستدن و ایران پایتختی نین اصفهاندا انتقالیدن دونسرا آذری کلاسیک ادبیاتی دور اخلاقی فسط ساز شاعرلری ایشلیرینه دوام ایتدیله و آذری شعر و داستانلارینی یاشاتدیله . بونلارین ان مشهوری اصلی و کرم و عاشق قریب و کوراخلو داستانلاریدر .

۱۸ اینجی عصرده شمال آذربایجانیندا بؤیوک شاعر لرچیغمیش . بونلارین ان مشهورلاری **ملایناه واقف وودادی** در . واقف قریباغین باش وزیر اولوبده آلیست بیر شاعر در . شعرلری عاشق علی اصغر و عاشق حسین کیسی خلق شاعرلرینه الهام قایناغی و اولگو اولموشدور . (۱۸)

۱۹ اونجو عصرده شمالی آذربایجان آناتولیمیزدن تزار روس امپراطور لوشو زورینه آیریلیمیش و گوز لریمیزین یاشیله دولموش اولان آراس چایی ایکی قردش آراسینده سرحد اولموشدور . بو عصرده اوروپا دا گیدن فکری حرکتلر اول شمال صونرادا ایران آذربایجانینا گلمیشدر . شمالدا **عباسقلی آقاباکی خانلی و قاسم بیگ ذاکرومیرزا شفیع واضح و میرزا فتحعلی آخوندزاده** کیسی بؤیوک شاعر و متفکر لر ظهور ائتمیشدر . بوعصرین بؤیوک شاعر لریندن بیر ی ده قریباغ خانلی نین قیزی **فاتوان خورشید خانم** در . میرزا فتحعلی آخوندزاده شرق ده ایلیک تئاتر لری (نمایشنامه) یازان آدامدر . نمایشنامه لری فارسجا یا ویرچوخ اروپا دیللرینه ترجمه ائدیلمیشدر .

تغییرده **جلیل محمد قلیزاده** طرفندن **چرخان ملانصرالدین** مجله سی اورتاشرقده نظیری اولمیان فکاهی وطنز بیر نشریه ایدی . بومجله ده (سائیریک) طنز و هجو شعرین بؤیوک استاد ی علی اکبر صایر ده یازی یازاردی . **صابر انقلابی** فکر لرینی مزاج و هجو شکلنده شعر دیلیله بیان اتمیش و زمانی نین خرافه لرله امان سیزجاسینا مجادله ائتمیشدر . صابرین دیوانی **هوپ هوپ قامه** آتالاریمز زمانیندا هر آذربایجانلی نین ائویته تاپیلیردی .

مرتبه و نوحه ادبیاتی - بوشکلده شعر یازماق شاه اسماعیل زمانیندا یاشلامیش و بوگونه قدر دوام ائتمیشدر . شاه اسماعیل ختائی و فضولی کربلا قاجه سین ی شعر له بیان ائتمیشلر .

دخیل مراغه ای کربلا شهید لرینین احوالینی یدی جلدده تورکجه یازمیش و بو اثر بیر چوخ مرتبه و نوحه توشان شاعر لره مراجعه و الهام قایناغی اولموشدور . بو شاعر لرین ان مشهورلاری **سیدفتح میراغه ای و حاجی خداوردی خونی و ابو الحسن راجی و نباتی و قمری و رنجور خانم** در .

۲۰ اینجی عصرده شمال آذربایجاندا شعر و ادبیات چوخ قاباقا گتدیگی حالده ایران آذربایجانیندا پهلوی خاندانی نین استبدادی و تورک دوشمانی سیاستی سایه سینده تورک دیلی و فرهنگ ی دوراخلامیش و حتی دالیا گتمیشدر .

بوعصرین شمال آذربایجان شاعر لریندن بیرنجه سین ی ذکر اده جاغوخ :

صمد وورغون (۱۹۵۰ ده اولموش ملی شاعر) **وسلیمان رستم** و مشهور غزل

شاعری مرحوم **واحد و بختیار و هابزاده** و ایران سور گونلریتدن خانم **مدینه گنگون و بالاش آذراغلو و علی توده**. (۱۸)

ایراندا تورکجه نین قدغن اولدوغو ایچون آذری شاعر لریمیز اثرلرینی داهلچوخ فارسجا یازماق مجبوریتندہ قالمیشلار. آذربایجان دموکرات فرقه سی نین بیر ایل سورن حاکمیتی زمانیندا آذربایجاندا تورک دیلی رسمی اولموش و تورکجه درس کتابلاری اوخوقولموشدی فقط حکومت مرکزی نین اوردوسو آذربایجانا گلدیگدن صونرا بوتون تورکجه کتابلار یاندریلیمیش و تورکجه اوخویوب یازماق گینه قدغن اولموشدور.

بوخفتان دورینده بعضی شاعر لریمیز پهلوی یاساغینا باخمیاراخ اوزآغا دیلیندهده شعر یازمیشلار. بونلاردن **استاد شهریار** ان مشهور شاعر یمیز در. اونون فارسجا شعرلری بوتون ایران ملتینی مفتون ایلیمیش و اونوهرکسه تانیتیمیشدر. تورکجه یازدیغنی **حیدر باباسی** دنیانین ادبی شاه اثرلری آراسینه گرمیش و بیر چوخ دیلره ترجمه ادیلیمیشدر.

مراغه لی **اب. قوه چورلو. سهند** گرچی نوز وطنینده غریب کیمی قالیمیش

اما شمال آذربایجاندا و حتی تورکیه ده تانیمیش شاعر لردن بیر یدر. سهند دده قورقود داستانلارینی بوگونون آذری تورکجه سیله شعر چکمیش ملی حماسه لریمیزی دیریتیمیشدر. اونون سازمین سوزو آدلسی دیوانی ادبی باخیمدان دیناتین ان گوزل حماسه لريله اولچوله بیلن و محتوانظریندن خلقیمیزین قهرمانلیقلارینی و اوستون سجیه لرینی گوزل دیلله بیان ادن ملت نامه ویا ایل نامه یمیز در.

ساحر قوتلی بیر آذری شاعری اولماخلایر ابرتورکیه ادبیاتیندا واقف در.

کریمی مراغه ای طنزیازان شاعر لریمیزدندر. **اعتماد و علی تبریزی** و داهاییرچوخ

حرمته لایق شاعر لریمیز وارد. گلجکده اونلاردان و اثرلریندن بحث ایده جاغوخ.

آذری ادبیاتی فولکلور باخیمیندن تورکجه نین ان رنگینی در. فولکلورو موزون

مهم بیر قولونو آتاسوزلری و قاپماجالار تشکیل ایدر.

دکتر جاوید آتاسوزلری و قاپماجالار حقنده آذربایجان فولکلور نمونه لری

آدیده ایکی جلد کتاب یازمیش. بوکتاین ایکنجی جلدی پهلوی رژیم مامورلاری طرفندن

توفیق ادیلیمیشدر.

تئاتر و موسیقی - آذربایجانین تئاتری اورتاشرقین ان قدیم و پارلاخ تئاتری

اولدوغو حالده پهلوی زمانینده قدغن ادیلیمیش حتی آذری موسیقی سیده بیر چوخ یرلرده

ممنوع اولموش. بو قدغن و یا ساخلارا هیچ بیر قانونی ماده و دلیل اولمادیغنی حالده

کچمیشده کی شووونیست رژیم، فارس لاردان یاشقا ایرانین بوتون خلقلرینی فطری حق لری

اولان اوزآنادیلی و فرهنگیندن محروم براخمیشدیر. امیدایدرم اوفاسد و فاشیست رژیمین انقلاب

اسلامی ایله اورتادان قالخماسیله اونون مفکوره سی و فرهنگی ایزلری ده سیلینسین و نجه کی عصر

یمیزین بیوک فیلسوفی برتراند راسل دیمیشدیر کی فرهنگی استعمار سیاسی استعمار دان

داها فجیع و تهلکه لیدر و اونویوخ اتمک سیاسی استعمارین محویندن داهلچتین دیر.

یوخاریدا سویله دیگیمیز سبب لردن اوتوروویزیم بوگونگو آذری تورکجه میز شمال آذربایجان تورکجه سی کیمن گوزل و تمیز و رنگین دگیلدیر ، بیر چوخ فارسی کلمه و اصطلاحلاریله قاریشیق و بالقیز دانیشمادیلی اولاراق خلق آراسینده قالمیشدیر . بودیلی یازی دیلی شکنده ده ایشلتیمک و اونو اصلاح و انکشاف اتدیرمک و آذری قردشلیرمزه لونون گرامرو یازماسینی اورگنیمک بیزیم ملی وظیفه و بورجوموزدور .

آذری تورکجه سی نین گرامرینی اورگنیمک ایچون دوستوم م . ع . ق . ز . نین یازدیغی مبالی دستور زبان آذربایجانی کتابینی چوان همشهریلریمه اصرارلا توصیه ایدرم .

الفبامسئله سینده گلیمجه بوگون تورک دیللری لاتین واسلاو و عرب حرفلریله یعنی اوج مختلف الفبا ایله یازیلماختادیر . عرب حرفلری مین ایلدن چوخدور مسلمان تورکلر طرفندن الفبا ایچون قبول ادیلیمیشدیر . لاتین الفباسی ایلك دفعه باکوده صونراداتورکیه ده (۱۹۲۸) رسمی الفبا قبول ادیلیمیش فقط باکودا ۱۹۴۰ دن صونرا اسلاو حرفلری لاتین حرفلری بیرینه کچیمیشدیر . عرب حرفلری دوقوز مسلی حرفی اولان تورکجهیه کافی اولمایپ بعضی اشارتلرله یونقسانلاری جبران اتمک لازم دیر . بوخصوصده تورکولوژی عالمی دوستوم دکتر حمید نطقی ۱۲۵ قاعده لر آدینده برکتاب یازمیشدیر . عرب حرفلریله آذری تورکجه سینین درغرو و هرکسین اوخویا بیله جاغی شکنده یازماخ ایچون بوقاعده لری اوخوماخ و ازیرلماخ لازمدیر . (۱۹۰۹ و ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵) .

طهران . فروردین ۱۳۵۸ . ج . ۵ . تبریزی

منابع و مراجع :

- ۱ - یادداشت های انوشیروان . ترجمه صفوی .
- ۲ - تاریخ ایران تالیف حبیب اله شاملوئی .
- ۳ - اورتا آسیا تورک تاریخی حقیقه درس لر . پرفسور و . بارتولد . استانبول ۱۹۲۷ .
- ۴ - اورخون آبدلری . پرفسور محرم ارگین . استانبول ۱۹۷۰ .
- ۵ - بیوک تورک ادبیاتی تاریخی . و . ماهر قوجاتورک . انکارا ۱۹۷۰ .
- ۶ - قوتادقوبیلیک . فرغانه نسخه سی . استانبول ۱۹۴۳ .
- ۷ - قوتادقوبیلیک اینجه لمه لری . آ . دیل آچار . تورک دیل قورومو یایی لاری . انکارا ۱۹۷۲ .
- ۸ - دیوان لغات الترك . محمود کاشغری .
- ۹ - دیوان لغات ترک دیزی . پرفسور احمد جعفر اوغلو . تورک دیل قورومو یایی لاری . انکارا ۱۹۷۲ .

- ۱۰ - رسملي تورک ادبیات تاریخی . ن . س . بانارلی . اوچونچوجلد . استانبول
- ۱۱ - تورک دنیاسی ال کتابی . پرفسور احمد جعفر اغلو . انکارا (۱۹۷۶)
- ۱۲ - رسملي تورک ادبیات تاریخی . ن . س . بانارلی . دوردونچوجلد . استانبول
- ۱۳ - دهم قورقودون کتابی . اورخان شائق گولک یای . استانبول ۱۹۷۳
- ۱۴ - حماسه‌ی ده ده قورقود . اثر انار . ترجمه ابراهیم دارائی . تهران ۱۳۵۵
- ۱۵ - کتاب باباقورقود .
- ۱۶ - دیوان شاه اسماعیل ختائی . استانبول
- ۱۷ - کلیات دیوان فضولی . استانبول وتبریزچایی .
- ۱۸ - آذربایجان ادبیاتی . تورک دنیاسی ال کتابی ، پرفسور احمد جعفر اغلو . انکارا (۱۹۷۶)
- ۱۹ - تورک دیلی تاریخی . پرفسور احمد جعفر اغلو . استانبول (۱۹۷۰)
- ۲۰ - تورک دیل بیلگیسی . پرفسور محرم ارگین . استانبول (۱۹۷۲)
- ۲۱ - آذری توکجه‌سی . پرفسور محرم ارگین . استانبول (۱۹۷۱)
- ۲۲ - قوسی تبریزی ومیرزاشفیعی . ترجمه . ح . صدیق .
- ۲۳ - آثار ای از شعرا ی آذربایجان . ح . صدیق .
- 24 - Principe De Grammaire Turque Jean . Deny. Paris 1955
- 25 - Basic Course in Azeabayjani . Fred . W . Householder . JR .
M . Lotfi , indiana University Publicatins . 1973

آذربایجان فولکلورینین (خلق بیلگیلرینین) خصوصیه آذربایجان خلق ادبیاتین اوستونده کنیش خالدا ایش آباریب، اوانی توپلاماق، لوگرنیب و تحقیق اتمک مجله میرین اساس وظیفه لریندن بیر حساب اولونور. بوباره ده بیرباشلاش کیمی، ایلر بوندان اول مبارزاتل اوغلی «ع. ر. اوختای» ین فولکلور و اونون توپلاماسنین ضرورتی عنوانی ایله فارسجا یازدینی مقاله نی درج اندیرلک.

فولکلور و ضرورت تدوین آن

فولکلور یا «فرهنگ عامه» یا «مدنیت خلق» بآن قسمت اذفرهنگ و مدنیت جامع اطلاق می شود که طی قرون و اعصار در محیط های عامیانه ایجاد و منتشر شده است. و اگر هم احیاناً موجود بعضی از این آثار و آداب و عقاید و فنون، دانشمندان و خواص بوده باشند، در هر صورت طوری بین توده های مردم شیوع و انتشار یافته است که تفکیک این قسمت از آنچه خود عوام الناس ایجاد کرده اند بسیار مشکل خواهد بود.

پس ملاک فولکلور یک بودن یا نبودن، ناشناختگی موجود آن نیست بلکه شیوع و انتشار شفاهی آن اثر است بین عامه مردم در زمان و مکان. و با این تعبیر، امروز هم فولکلور مثل یک پدیده زنده اجتماعی می تواند به حیات خود ادامه دهد، اگر ترانه های آنقدر بین مردم رواج یابد که مثل ترانه های از نوع «بری باخ» جاودانی شود، در حقیقت بگنجینه موسیقی خلق وارد شده و بصورت «فولک سانگ» درآمد است. همچنین اگر روزی نغمه های حیدربابا را آنقدر عاشق ها تکرار کرده باشند که مانند سرودهای اصلی، کرم زمان و مکان را تسخیر نموده باشند، آنروز می توان حیدربابا را در مجموعه های فولکلور مومیائی کرد. مدنیت خلق شامل رشته های گوناگون خواهد بود: ادبیات، علوم، حقوق (عرف ها و مراسم و عادات) طب و تعلیم و تربیت، هنرهای زیبا... تقریباً همان تقسیم بندی های متداول علوم و معارف را در اینجا هم می توان صدق داد. تدوین فولکلور هم هدف است و هم وسیله. امروز در تمام دنیا این نمونه ها و آثار را جمع

آوری می کنند تا قسمتی از فرهنگ بشری، که از اعماق تاریخ ریشه گرفته و از سینه ای به سینه ای منتقل شده، در سینه های پراضطراب انسانهای قرن بیستم برای همیشه مدفون نگردد. از این نظر تدوین فولکلور فی نفسه هدف است.

اما وقتی تدوین شد، نوبت بهره برداریهای علمی از این منابع بکر فرا خواست در سید، و باین اعتبار، فولکلور وسیله است برای بررسی خصوصیات فکری و مادی اجتماعات بشری و تحولات در طرز زندگی، آداب و اخلاق، خلاقیت هنری، تکنیک و معتقدات آنها. در میان این آثار گاهی فسیل هایی از اجتماعات بشر اولیه به مید نیست بدست آید. همینطور فسیل ها و آثار باقیمانده از چادر نشینی و چوپانی، عصر فتودالیت و بالاخره اعصار جدیدتر برای علماء قابل تشخیص خواهد بود.

فولکلور روزنه است بدنهای تاریک گذشته های بشر و نمودار در بدریها، جنگ و ستیزها، دردها و شادی ها، و نحوه زندگی و تفکرات که همواره در مسیر تحول بوده و به همراه خود، مدنیت خلق را نیز دچار تحول ساخته است. فولکلور شناسی از فسیل شناسی بسیار مشکل تر است چون می دانیم که اساساً در علوم انسانی برخلاف علوم مادی با عناصر بسیار پیچیده و مجهزی روبه روستیم. یک فسیل معمولاً دچار تغییر شکل نمی شود و همان صورت اولیه خود را حفظ می کند در صورتیکه آثار و نمونه های فولکلور ممکن است بارها و گراگون شده باشند. و جستجوی یک نمونه آخیل، گاهی سالها طول می کشد و به نتیجه هم نمی رسد. در ممالک پیشرفته بودجه ها و سازمان های مجهزی جهت این مطالعات اختصاص داده می شود ولی متأسفانه در اینجا اقلب کوششها بصورت فردی آمده است و یکی دو قرن پیشتر نیست که معمول گردیده. متون قدیمی ما هم فقط در حدود ضرب المثل ها و احیاناً بعضی افسانه ها است (افسانه های دده قورقوده).

بنابراین نه تنها قسمت های ادبی این فولکلور تا کنون جمع آوری نشده است. انواع ادبی هم که بسیار غنی و پر دامنه اند بشکلی منظم و همه جانبه مورد مطالعه قرار نگرفته اند. این ادبیات شفاهی را می توان به انواع، افسانه های حماسی و غنائی، قصه های کوتاه، بایاتیها، قوشها جاها، قطعات شاعرانه بدون وزن، تصنیف ها، ترانه های گوناگون در ستایش طبیعت و ترسیم زندگی، ضرب المثل ها و بالاخره معماها تقسیم کرد.

یکی از خصوصیات این ادبیات شفاهی، وسعت دامنه آثار و نمونه ها است. شاید در هیچ فولکلور دیگری باندازه بایاتیها نتوان نمونه های شعر کوتاه پیدا کرد. ادیب و فولکلور شناسان، عناصر م.ع. فوزانه در تألیفات خود از جمله بایاتیلاز خصوصیات هنری این نوع ادبی را تشریح کرده است. در مورد سایر انواع از جمله افسانه ها و قصه نیز چنین است.

دیگر از خصوصیات این آثار هنرمندانه بودن و نزدیکی آن به زبان مردم است. آثار ادبی کلاسیک ما، تحت تأثیر عوامل خارجی قرار گرفته و تاجدودی عباری اذابتکار، سادگی و خلاقیت می باشند. در همان لحظاتی که شاعری از خواص، در بالاخانه خود زیر نور شمع و در میان پروانه ها بنگارش غزلهایش مشغول بوده و سایاچی ها، و عاشق هایی که از مزاج آن طرف منزل شاعر عبور می کرده اند، آثاری بوجود آورده اند که نه در خلاقیت و نه در زیبایی بیان و نه در ارزش مفاهیم، با آثار شاعران پروانه ها قابل مقایسه نیست. و اصولاً آثار آن چوپان و آن «عاشق» دنباله طبیعی ادبیات ریشه داری بوده است که به ادوار قبل از شهرنشینی مربوط می شد. حال آنکه شاعر پروانه ها رابطه خود را با ادبیات خلق بهم زده بود.

یکی دیگر از خصوصیات این آثار، تشابه نمونه‌ها در اقالیم و آفاق است. افسانه‌های «کوراولو» از دشتهای آسیای مرکزی تا آسیای صغیر و نواحی شرقی اروپا، دارای روایات یکسان و مشابهی است. و بایاتیهای مردم کرکوک (یا بقول خودشان خویرات‌لار) که توسط عطا ترزی باشی در بغداد چاپ شده است، گاهی کاملاً با نمونه‌های تدوین شده توسط آقای فرزانه (بایاتیلار - چاپ تبریز) یکسان است.

بنظر می‌رسد که ترسیم يك طرح کلی و اجمالی از رشته‌های گوناگون ادبی و فنی ادبی فولکلور کاملاً ضروری است. این طرح علاوه بر اینکه می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای آغاز بررسی‌های علمی روی نمونه‌های تدوین شده موجود، ما را کمک می‌کند که با آگاهی بیشتر و ذهنی روشنتر کار جمع‌آوری را دنبال کنیم. لیکن در اینجا مقصودمان ترسیم يك طرح عمومی نیست فقط می‌خواهیم بعنوان نمونه دونوع ادبی یعنی مثل‌ها و قوشماجا‌ها را بطور خلاصه و محدود بررسی کنیم. آتالار سوزو یا مثل‌ها خیلی پر دامنه و متنوع‌اند و در آینده باید يك تقسیم‌بندی علمی روی آنها صورت بگیرد. عجلالتا بيك تذکر قناعت می‌کنیم، بعضی از مثل‌ها نماینده طرز فکر طبقه یا قشر محدودی از جامعه هستند و نمی‌توان آنها را بعنوان نماینده تفکر خلق پذیرفت يك مثال خیلی ساده، دارای ایضه میسن صداقت بیلمسن، قومار اوینا نامیسان، حساب. واضح است که این مثل در میان قشر بخصوصی از مردم ایجاد شده است. با همین قیاس بعضی از مثل‌ها را می‌توان به صاحبان قدرت و حواریون آنها منسوب نمود، «دادا آنان ایله قودورانین تارپنی اولماز» اینین یعنی قایق‌افشان پای اومار، اودانه جینی قاب‌دا. «تاری بیلر کیم قازانار، کیم ییهر» «بویوگون تالیمیان، تارپسین داتانیماز»

مثل اول فضایی نسبت به افراد خاصی است و عصیان همیشه بر علیه قدرتمندان بوده. مثل دوم تمسخر موجودات «پستی» است که بزرگان صاحب امتیازات «بزرگان» افتاده باشند. و مثل سوم گناه قارت شدن طبقات زحمتکش را به گردن خدا می‌اندازد. و مثل چهارم باز اعتراض نسبت به کسانیست که حق «بزرگان» را بیجا نمی‌آورند.

اما از فضای تنگ و خفقان‌آور اندیشه طبقات صاحب قدرت که خارج می‌شویم، قدم به سرزمینی می‌گذاریم پر از صفا و معصومیت و آثاری می‌یابیم سرشار از يك جهان بینی صادقانه و گاهی بسیار عمیق و اصولی. آنگاه یقین پیدا می‌کنیم که این حرف‌ها محصول ذهن انسانهایی است که تاریخ را با دست‌های تاول زده خود ساخته‌اند. اینجا نیز احیاناً خدا را خواهیم دید. امانه خدائی که اقویاً در پناهش سنگر گرفته باشند، خدائی دیگر.

«تاریدان قورخان قولدان قورخماز» و تفاوت بین دو طرز تلقی کلاماً روشن است. اینجا با خلق روبرو هستیم طرز تفکر، نحوه برخورد با اجتماع، و جهانی و اصول تربیتی انسانهای ساده را می‌بینیم انسانهایی که همه چیز خود را می‌باختند جز غرورشان.

ایشلمهسن، دیشلمهسن.

چوخ وئر، آزیالوار.

چوخلارینی قورداغیتدی، آمانیم کیمی نوکوجولره داغیلان اولمادی،
واریمیز یوخ‌لوقرو آپارا، ایسمانیمیز یوخ شیطان. آیا، اولدر باخماکی دوشون
آیاغین آلتدا.

و می‌بینیم که چگونه گاهی عمیق‌ترین مسائل تاریخ را طی چند کلمه ساده و صمیمی

بیان کرده اند.

دعوا آجلقدان اولار ، توبه توخلوقدان .
يئر يرك اولاندا ، ئوكوز ئوكوزدن گئوره ر .
ييرادخه بير يول سوكلسه اولوركى بيرده گله .
ائل گوجو سئل گوجو .

بولانماسا، دورولماز
آج، قلنجاچاپار (يوكور)
ئولن ئوله جك، قالان گئوره جك
ايگنه نى سايلادين، اوجون دوگونله .

این نکته را هم باید تذکر داد که طبقه بندی ضرب‌المثل‌ها و سایر آثار فولکلوریک در مرحله جمع آوری بهیچ وجه مطرح نخواهد بود گرد آورنده این آثار صرفاً باید آنچه را شنیده و یادداشت کرده، عیناً منعکس کند.

اکنون يك نگاه سطحی و کوتاه هم به قوشماجا میکنیم قوشما یعنی شعر و سرود . و پسوند «جا» برای تسمیه و تعریف آمده است. قوشماجا نوعی شعر فولکلوریک است که برخلاف سایر انواع ادبی، از مطلب بخصوص صحبت نمیکند. تا بلوئیست مرکب از عناصر و تصاویر متنوع ولی هماهنگ؛ که بیشتر آثار مدرن نیست‌های قرن معاصر را بیاد می‌آورند. حرکت از يك تصویر به تصویر دیگری با استفاده از قاعده تداعی معانی است؛ گاهی هم با استفاده از کلمات هماهنگ. بعضی از قطعات برای بچه‌ها سروده شده‌اند. قوشماجا خیلی زود در ذهن کودک نقش می‌بندد حافظه‌اش را تقویت میکند، قوه تخیل او را بکار می‌اندازد و کمک میکند که حس زیبا شناسی کودک تکامل یابد. قسمت دیگری از قوشماجاها دارای مضمون‌های غنائی و حماسی‌اند (رجوع کنید به قوشماجالار و تایماجالار، انتشارات شمس تیریز) تعداد قوشماجاها از فولکلور ما بسیار کمتر از سایر انواع میباشد و بسیار ضروری است که ما نمونه‌های شناخته شده را از گوشه و کنار ولایات دور و نزدیک جمع آوری کنیم.

انواع دیگری از شعر فولکلوریک دارند که مقید به وزن نیستند و به شکل تسابلوهای قصه‌مانندی ساخته شده‌اند. ولی در همین قصه بود نشان هم روی قوشماجا حلول کرده است و در نتیجه، حوادث و تصاویر متنوعی را می‌بینیم که باز با استفاده از قاعده تداعی معانی بهمدیگر جوش خورده‌اند.

روی این انواع شعری هم هنوز هیچگونه تحقیقی نشده است. فقط در کتاب فوق‌الذکر چند نمونه معرفی شده است (شماره‌های ۱۶ - ۱۹ و ۳۱) مولفین مسلماً این نوع آثار را هم در ردیف قوشماجا قرار داده‌اند. البته همانطوریکه گفته شد، وجوه مشترکی در این بین هست اما نمیتوان منکر وجود مستقل این نوع فولکلوریک شد.

گفتیم اینها مقید به وزن نیستند. اما یکتوع موسیقی بخصوص کلمات و عبارت را بهمدیگر ربط میدهد و در بعضی قسمت‌های جاس، این موسیقی بصورت یکتوع وزن آزاد در می‌آید. در بعضی از قصه‌های کوتاه و افسانه‌ها هم از این نوع قطعات شعری بدون وزن گنجینه شده که میتوان بطور جداگانه جمع آوری کرد. اما قوشماجا مقید به وزن است و هر

چند اکثر مصرع‌ها با وزن هفت سیلابی تعداد می‌باشد، با وجود این مصرع‌های اولیه گاهی ۹ سیلابی است و بتدریج تعداد سیلاب‌ها به ۷ و ۸ تنزل می‌باشد. گاهی هم قوشماجاها دارای وزنی آزاد هستند

قوشماجاها و قطعات بدون وزن از نظر فورم پدیده‌های بسیار جالبی هستند. در قطعات مزبور گاهی قواعد منطقی در هم می‌ریزد، اشیاء موارد استعمال خود را ترکیب می‌گویند و شاعری که معلوم نیست چند صد سال قبل می‌زیسته، با عناصری انتزاع شده از دنیای خارج و در يك فورم آزاد از وزن، دنیای تازه‌ای می‌سازد. و انسان متوجه می‌شود که دید هنری خالقین این آثار چقدر به دید هنرمند قرن بیستم نزدیک است. قالب‌های فولکلوریک خصوصاً همین انواع مسود به بحث ظرفیت زیادی دارند که در شعر امروز مورد استفاده قرار گیرند باین ترتیب می‌توان با استفاده از نوادیس‌های مفرقی فولکلوریک بطرف مدرن نیز رفت بدون اینکه در نمونه پیمان از مردم فاصله گرفت. این همان کاریست که در ادبیات غرب باعث ایجاد نمونه‌های موفقی شده است.

ع. اوختای

این موسیقی فولکلور خود وضع خاصی دارد و بحث راجع بان به فرست دیگری
موکول می‌گردد.

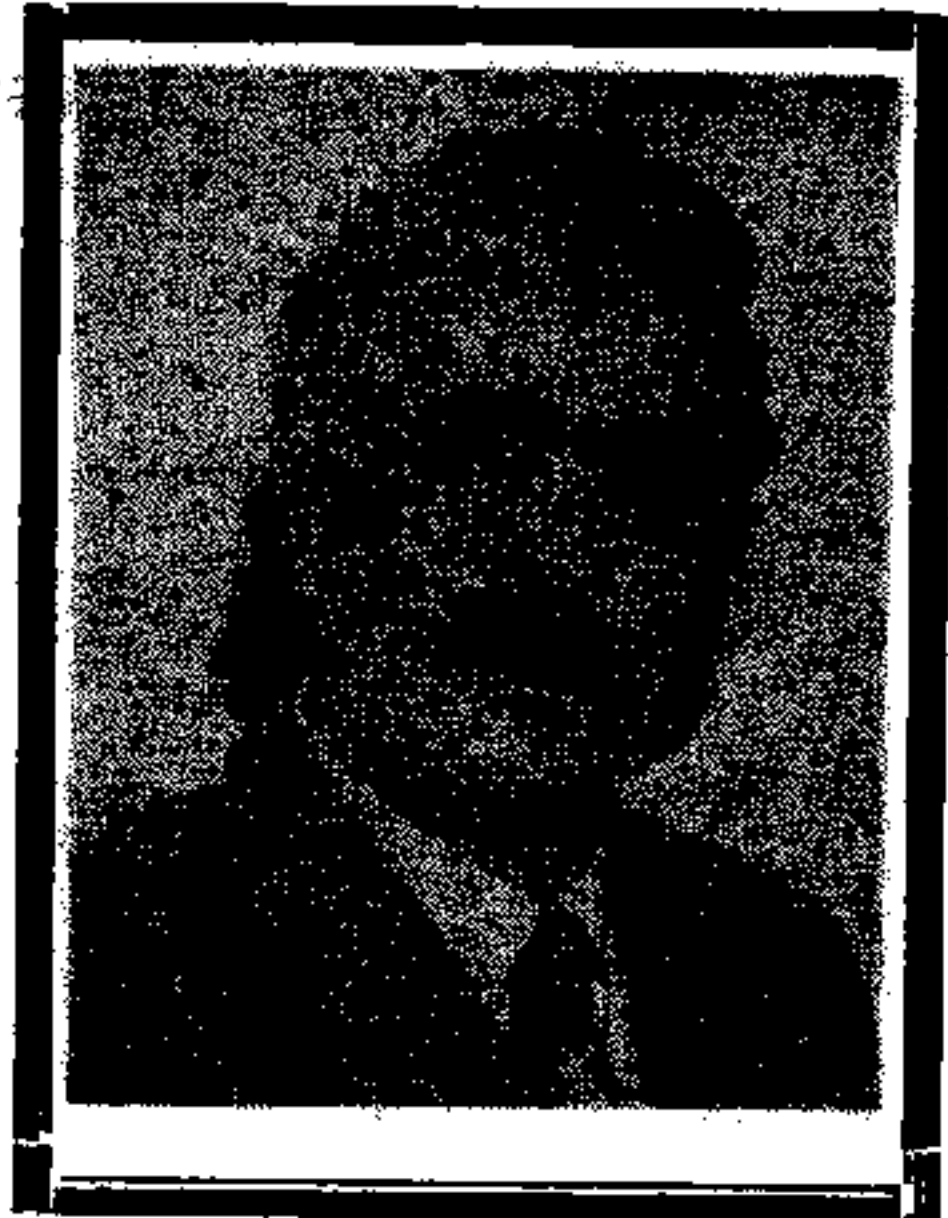
زمان سسی

صبح اولدی هر طرفدن اوجالیدی اذان سسی ،
 گویا گنلیر ملائکه لردن قرآن سسی .
 بیر سن تاپانمیرام اوتا بنر ، قویون دئیم ،
 سنکی اوشاخلیغیم کیمی نئیمده یاتمیشام ،
 لای - لای دئیر منه آنامین قهرمان سسی .
 سنکی سفردهیم اویا دیرلارکه دور چاتاخ ،
 زنگ شتر چالیر گچرک کاروان سسی .
 سنکی چوبان یاییپ قوزونی داغدا نی چالیر ،
 رویت اولور قوزی قولا غیندا چوبان سسی .
 جسمیم قوجالسادا هله عشقیم قوجالما ییب ،
 جینگیلده ییر هله قولا غمیدا جوان سسی ،
 سنکی زمان گولشدی منی گوپسه دی یره ،
 شعریم ، یازیم اولوب یخیلان پهلوان سسی .
 آخر زماندی بیر قولا ق آس عرشی تیره دیر ،
 انسان خزان دی توکولور جان خزل کیمی ،
 سازتک خزل یاغاندا سیزیلدا خزان سسی .
 قیرخ ایلدی دوستاغام قالا بیلمز او یاغلی سس ،
 یاغسیز سادا قبول ائله مندن یاوان سسی .
 منده مسیم اوجالسا گرگدیر یامان دیم ،
 ملت آجیخیلیدیر ، اوجالیبدیر یامان سسی ،
 دولدور نواره قوی قالا بیر گون بوکوره لر ،
 آقیشلا سینلا ذوق ایله یزدن قالان سسی .
 مغناطیس اولسا سسده کسر انقلابدا باخ ،
 آزادلیق آلدی سردارین اول قهرمان سسی .
 انسان قوجالمیش اولسا قولاخلار آغیر لاشار
 سنکی یازیق قولاخدا گورولدور زمان سسی .
 باخ بودرین سکوته سحر هانسی بیر نوار
 ضبط ائله بیلر بیلر جادوان سسی ؟
 سانجیر منی یویشقاچالانلاردا شهریار
 من نیلیم که فیشقایا بنر ایلان سسی .

آنا دىلى

دېل آچاندا ايلك دفعه «آنا» سۆيله يىزىك يىز ،
 «آنادىلى» آدلانىر بىزىم ايلك درسلىرىمىز .
 ايلك ماھىيەت لايلايى آنامىز ئوز سودىلە ،
 ايچىردىر روحوموزا بودىلە گىلە - گىلە .
 بودىل - بىزىم روحوموز ، عشقىمىز ، جانىمىز در ،
 بودىل - بىر - بىر يىمىزلە عھد - پىمانىمىز در ،
 بودىل - تانىتمىش بىزە بودنيا دا هر شىشى ،
 بودىل - اجدادىمىزىن بىزە قويوب گىتىدىكى .
 ان قىمتلى مىرائىدر ، اونو گۆزلىرىمىزتك .
 قورويوب نىسلىرە بىزدە ھدىيە وئرك .
 بىزىم اوچا داغلارىن سونسوز عظمتىدىن ،
 ياتاغىتا سىغمايان چايلارنى حدىدىن ،
 بوتقونىراقدان ، بوپىردىن ،
 ائلىن باغرىتىدان قوپان ياتقىنلى نغمە لردىن
 گوللىرىن رنگلىرىدىن ، چىچىكلەرنى ايىندىن
 آغ ساچلى بابالارنى عقىلىدىن ، كمالىندىن ،
 دشمن اوستونە چومان او قىرآتىن ئالىندىن .
 سىن خلقىمىن آلدىغى ايلك نىفسىدىن ياراندىن قوپان سىمدىن ياراندىن .
 آنادىلىم ، سىندە درخلىقنى عقىلى ، حكمتى ،
 عرب اوغلى مەجنونون دودى سىندە گول آچمىش .
 اوركلە يول آچان قىزولنىن صنعتى ،
 اى دىلىم ، قىزىتىلە دىيالارايول آچمىش .
 سىندە منىم خلقىمىن قەرىمانلىقلار دولى .
 تارىخى ورقلەنەر ،
 سىندە ئىچەمىن ايللىك منىم مدنيتىم
 شان - شەرىتىم ساخلايىز .
 منىم آدىم ، سانيىسان ،
 ناموسوم ، وجدانىمسان ...
 ... بودىل - تانىتمىش بىزە بودنيا دا هر شىشى ،
 بودىل - اجدادىمىزىن بىزە قويوب گىتىدىكى ،
 ان قىمتلى مىرائىدر ، اونو گۆزلىرىمىزتك ،
 قورويوب نىسلىرە بىزدە ھدىيە وئرك .

«بختيار»



«سهند» همیشه ليك حياتا گوز يومدو

يازان: گنجعلي صباحي

بولود قاراچورلو «سهند» ين ثولومو آذربايجان خلقي اوچون ملي بير فاجعه ،
يئري دولماز بير ايتگيدير . او ، نوز ياراديجيليغي ، تالانت و استعدادي ايله آذربايجان
ادبياتينان قيمتلي و ثولمز اثرلر و ثره بيلدي . هنر و شعريله پارلاق بير اولدوز كيبي
پارلادي . او ، درين گوز و شلو بير شاعر اولاراق ، نوز خلقينين گوز و گوزو ، دوشون
بشني و دويونن قلبي اولدو . وطنين تالان ، خلقينين اسارتده - فلاكت و بدبختليكله
ياشاد يغيني ، وارليغي چيكنند يگيني گوردو كچه ، آلولانيپ - شعله چكرك ، آزاد -
ليق ... دثيه ، باغيرير ، اسارت زنجيرلريني چيئنه يپ بارچالايير ، كسگين قلمي ايله
مبارزه يوللاريني ايشيقلانديريردي . او ، ياخشي بيليردي كه ، حيات و ياشاماق حقينه
ماليك اولماق ايسته ين انسان ، گرهك جانيندان كچسين !

كيم دثير ثولومدور ، جانيندان كچمك !

بو ثولومدن دوغور باشقا بير حيات !

انسان نوز جانيندان كچمه سه دثمك ،

ابدي حياتا چاتارمي ؟ هيئات !

دثيه ، درين و فلسفي گوروشلرله خلقي قطعي مبارزه يه چاغيرير . بوگون الده
انديلميش آزادليق نوز جانيندان كچميش شهيدلرين آل قانلارينين محصولي دگيلمي ؟
او ، ياراتديغي ليريك و انقلابي شعرلريله كفايتلنمهيپ . فكرينده تلاطم ائدن
آرزو و ايستكلرين داها دا گئيش و اساسلي بير صورتده خلقينه يئتيرمك اوچون ، خلق

فولكلورىنا اوز دوندەرىپ . « دە دە قود قود » داستانلار پندان الھام آلاراق ، ادبیات عالمیتە « سازیمین سوزو » كیمی ئولمز و دەیرلی بیر اثر یاراتمیشدیر .
 اولو بابالارین خاطرە لرینی - حیات و معیشتلرینی ، قهرمانلیق لارینی ، صداقت ، محبت و دونمز صفتلرینی یادا سالماقلا ، ئوز خلقینی - ئوزونو تانیماغا چاغیریر .
 بو اثر دە او ، بیر متفکر ، بیر فیلسوف کیمی حیاتین درینلیکلرینە جوماراق ، آزادلیق و مبارزە یوللارینی گنجلیپە نشان و ئرمك اوچون ، قارائلیقلاردا مشعل آختاریپ .
 سوندوزولموش ملی دویغو ، ملی شعوری اویاتماغا چالی شیر . اونا ائله گلیرکە هر شئی - حیات ، طبیعت حتا انسانلار بئله درین یوخویا دالمیش ، دنیانین خیرینی - شرینی آتمیشدیر .

گنجەنین قوینوندا وقارلی داغلار ،

سانکی ابدی بیر یوخویا باتمیش .

درەلر ، تپەلر ، میشلەر ، باغلار ،

دنیا نین خیرینی - شرینی آتمیش .

باشقا بیر یئردە :

انسان حقینی ایتیرەن گوندن ،

باشی داشدان - داشا دگیر هر زمان .

سعادت جیرانی قاچیر ئونوندن ،

سیلدیریم یوللاردا قالیر سرگردان .

آزیب ، ئوزلویوندن ایتکین دوشندە !

قورد کیمی ئوزونون قانیی ایچیر !

ئوزونو آختاریپ بیلیم نقرەدن ؟

چالیلار ، تیکانلار آباغین بیچیر !

چاشمیش ، بولونو ایتیرمیش ، حقینە گوز یومموش و مقدراتینی بابانچیلار قاتا .

بشیرمیش خلقە ، بابالارینین مردانە لیکلرینی اوزلرینە چکیرەك :

ازل گوندن ، قهرمانلیق ،

مردانە لیک ، قوچاقلیق ،

وطنیمین - ائللریمین

آد - سانیلان یا تاشیدیر .

دوغروداندا هر انسانلیق ،

فخری اولان سجیەلر ،

بو ائللرین - اوبالارین

اٹکیز - تاي بیر قارداشیدیر .

دئیر . داھا صوفرا :

هر دردین دواسی ن آختارماق گرەك .

نە چیخار بیخیلیپ - دار یخماقدان ؟

تلاشسیز قوللارین قوتی اولماز .

یول گئیمه سه چاتماز مقصده انسان .

سحری آختاران گنجه دن قورخماز .

آلیرام الیمه تلاش عیاسین ،

اگر گویدن پیره قطران یاغسادا ،

اوزوب گنجمه لیم ظلمت دریاسین !

گورولندویو کیمی ، شاعر ئوز هدینه ، آرزوسونا چاتماق اوچون هرچیتیلییه سینه
گریر . جانیندان گنجمهیی لازیم ییلیر .

شاعر «قاراجیق چوبان» داستانیشین گیریش بحثینده قارائلیق دا ، ظلماتدا آوارا ،
سرگردان گزه - گزه گلیب بیر ایشیقلیغا ، توز - تورپاق باسمیش بیر کتابخانایا چیخیر .
کهنه بیر کتاب اونون نظرینی ئوزونه جلب ائدیر . بو اوستونو توز باسمیش ، یاددان
چیخمیش «ده قودقود» کتابیندان باشقا ، آیری بیر شی دگیل . اونو اوخودوقجا
شاعرین خیال قوشو قاناد آچاراق ، گویله قالغیر . داغملار دره لر آشاراق ، نهایت
گلیب اوغوز ائلریته چیخیر . دردلی شاعر اوره گینی ائلر آتاسی «ده قودقود»
آچاراق دئیر :

زماندیر یزلره نلک گوز اگیب .

پولاد اوز قیلینجلار قیندا پاسلانیب .

شاهباز آقیرلارین بی کسیلیب .

جدالار اگیلیب ، کندیر اوقانیب .

اودالار تالانیب ، ائولر یغیلیب ،

مرد اگیملر ئولوب ، اوره ک داغلانیب .

حصارلار آلینیب ، اوردو باسیلیب ،

دوداقلار تیکیلیب ، قوللار باغلانیب .

آلتونلی یان اقولر تالانا کندیب ،

ائو ییه سی گنجه کوچه ده باتیر !

بوز بالتاسی کیمی جومرد اگیملر ،

دیوارلار دییینده پورتاغال ساتیر !

والا ... اوره گینی درده سالان ، هیچ کسه آچا ییلمه یین سوزلرینی بیر - بیر «ده ده»
قود قودا» دئیر و اوندان مدت ایستدیر . اودانیشدیقجا ائلین - ائل جه ییله نی مات - مات ،
حیرت ایچینده اونا باخیر . جواپیندا :

اوغول ! نیه مندن همت ایستیرسن ؟

تورپاق اسیرینین الینده نه وار ؟

هر عاشیقین بش گون دورانی وار دیر .

هر عصرین ئوزونون بیر «قودقود» وار .

آتانین آدینی باتیران اوغول ،

آتانین یوردوندا قالماسا ائی دیر .

ايگيدده - ايگيدليك ، ناموس ، عار گورمك .

ناموسوز اوغوللار اولماغا ، ائى دهر .

بشله ليكله شاعر بوردا هر جلت ويا هر كس ئوزونه متكسى اولماغى ، ئوزملى
ناموسوندا و شرفيندن ئوزو دفاغ ائتمهلى ، ئوزگهلردن كلك اوماماليدير دئير .
«كييل اوغلو عمران» داستانين باشلا نغيجيندا ، شاعرين يئنه ده خيال طرلانى
جوشياراق ، قاناد آچير . او ، وارليغين - حياتين سرلريندن باش آچماغا ، زمانى بيرقفسه
او خشاتماغا ، حكمتله الله شرمك نهايت ، يئره انير ، واقعتى قىرنمه باشلا يازاق :

من گوردويم دنيادا ،

هر شنى آشكار ، آيديندير .

گونش وار ، ايشيق وار ،

انسانلار محكوم دگيل .

چيچك آچير ، بار وئير :

حياتيندا نوق آلير .

انسانلىق وار دوسلوق وار .

شوگى وار ، محبت وار .

من گوردوگوم دنيادا .

شاعرين ئوزو اوچون بير عالمى وار . او ، آزادلىق آختارير . الله بير حياتكه
اورداهامى ئوزونو آزاد گورسون ، شوگى و محبت حكم سوزسون . شاعر بوشن و آزاد
حياتى ئوزو اوچون آختارمير .

من تك ئوزوم دگيلم .

خلقىم - ائللىرىم

نېمى من ايله وورور .

هر قلبم چيريناركن

كوكسوخده بير اورمك يوخ ،

مليون اورمك چيرينير .

من او كجه نكم كى ،

دنيادا حيات آدلى

شعله يه وورولموشام .

يانسامدا ياكيم يوخدير

ازلدن بوسودادا ،

يانماغا دوغولموشام .

او ، بير خلق شاعرى اولاراق ، وطنى آزاد و خلقى خوشبخت گورمك
ايسته يردى .

«سهند» ياراديجىلىنى ، او قدر زنگين . او قدر دريندير كه ، اثرلرين اوزرينده
ايشله مك اونو درك ائتمك اوچون ، آيلارلا وقت لازيمدير .

افسوس ... که ، آمانسیر ئولوم ، آزادلیغین ایلک بهاریندا ، اونو یزدن آیردی .
 «سهند» «ساوالان» ، «حیدر بابا» داغلارینین اتکلری لاله ، یاسمنله دولدوغو ، ککلیکلری
 قاققیلدادیغی ، بلبللری ججهجهه باشلادیغی زمان او بویوک انسانی ، شهر و ادب
 شاهینینی یزدن آیردی . قایتایب . قالغان شعر بولایغینی قوروتدو .
 آنجاق او ، ئولسه یب ! آلولاندیردیغی شعر و هنر مشعلی ایله ئوزو اوچون بیر
 ابدیت یارادیب . «شاعرین عالمی ئولمز ، اونا عالمده زوال یوخ !» دئین بویوک
 شهریارین دئییک کیمدیر . او ، وطن و آزادلیق اوغروندا ایشیق سالاراق ، شمع کیمی
 اریسهده ، خلقینن اورهینده همیشه لیک پاشایاجاق ، عاشیقلارین سازیندا ، خاندانلارین
 نواسیندا یادا ئدیله جکدیر .

«سهند» - شهریار یازدیغی نامه سینده :

داغلاری قویاراق ، دره لر دولسون ،
 کوپوکلر چایلاری جالباق دوزه ،
 یاشارشین قوروموش کوللارین کوکو ،
 زمیلر گوز - گویه تیکمه سین بلکه .
 «سهند» ده گل آچسین ، «حیدر بابا»
 اوزرینده چادیر قورسون «شهریار»
 باخاق چیچکه نن یوردا ، شعر یازاق .
 شاعرده بختیار ، شاعرده بختیار .
 دئی ، آرزولادیغی آزادلیق باغینین بارینی درمک اونا قسمت اولمادی . بوییزیم
 اوچون یامان بیرنسگل ، ساغالماز بیر یارا اولدو .
 او هله اون ایل بوندان قاباق یازدیغی شعرینده ئوز آرزو و ایستکلرینی ترنم
 ائتمکله ، ظلم و ستم سارایلارینین داغیلاجاغینا اینانیردی . آزادلیق جارچیسی کیمی ،
 گله جکدن مؤده وئره رک :

شاعریم ! سوزومو غربته سالما !
 قولاق آس ، دنیا دا گور بیر نه سس دیر .
 باغریوی سیخماسین آتیلان توپلار ،
 قیریلان زنجیر دیر ، سینان قفس دیر .

دئیر .

تهران ۱۳۵۸/۱/۲۵

اماماسلام

سهند حیاتین مہون آیلارینی مراغه و تبریزده گچیریرکن طاغوت رژیمینه قارشى
 آچیلان مبارزہیه قاتیلدی و انقلابدان قاپاخ احساساتینی اماماسلام شعريله بیان ایتدی
 و شعرینی اوگونلرده کی بیغمنچاقلارین بیریتده بیرمقدمه ایله اوخودی. سهند بو مقدمه ده
 ملتین شاه رژیمینه قارشى آپاردیغی مبارزه ده کی قداکار لہغلاردان و بؤیوک روحانی
 لیدرلرین یوامانسیرساواشدا کی قیمتی و اونودولماز رهبرلیکلریندن بحث ایتیش، مخصوصاً
 ابکی بؤیوک مرجع تقلید حضرت آیت الله عظاما خمینی و حضرت آیت الله عظاما
 شریعتمداری دن و اونلارین بوانقلابین موفقیتینده کی مہم رولارینی بیان ایتیش .
 سهندین اوڑ سہیلہ نوارا آلینیش بومقدمه و شعرى اونون اولومومناستیلہ صفی علیشاه
 خانقا ہندا توتولان ختم مراسمینده ائشیدیلدی.

ای قارائلیق کتجدہ طالع اولان بدرتمام ،
 شرف علم و عمل اشجع آیات عظام ،
 آیت الله بحق ، پشت و پناہ اسلام ،
 ای یازیق کتلہ لرین رهبری ، ای شائلی امام .
 ای علی نین خلف اوغلی ، سنہ مینلرجه سلام .

سنہ «روح الله» آدین وئردی شہید اولموش آتان ،
 نفس حقدندی حقیقتده ده «روح الله» سان ،
 ای قارا قلبلره آیدین اینام نوری ساچان ،
 سنہ شایاندی دوغورداندا یوشوکت، بومقام .
 ای ، یازیق کتلہ لرین رهبری، ای شائلی امام .

سن ائلىن قىرنلر آغزىندا قالان حق سۆزۈسەن ،
سن قاراڭلىقلار آرا حقى كۆرۈن حق كۆزۈسەن ،
حق قولى ، حق الى ، حق چارچىسى حقىن ئۈزۈسەن ،
حق كۈچىلە ووروشانمازدى بوايرىچ نظام .
اي على نىن خەلف اوغلى ، سەنەمىنلەرچە سلام .

سەن شەھەتدە على خەتەرە سەين دېرچەلتەدەن ،
داغ تەكىن سەينە كىرىپ حق علمىن يۈكسەلتەدەن ،
ظەلم ، داغ اولسادا دەر تەپ تەپلىن تەپتەدەن ،
جۈرۈعدە وائەلەت كەلمەشەدەن ، كەتەر مەزدى دۈام .
اي يازىق كەتەلەر سەن رەھبەرى ، اي شەئەلى ئەمەم .

سەنى قورخۇتەمەدى «نەمروود» لەر سەن تەنكى ، تۈپى ،
قەيرەم . ئۆلەدۈرۈمى ، بۈيۈك بۈيۈك سەنى ، قورسى ، كۈپى ،
دەيدە باشلاندى يەمەن بىر تەرەپ تەپ تەپلىن ،
ئەسەرىن ئىبراھىم سەن ، سەندە ئىلە ئەنەم .
اي على نىن خەلف اوغلى ، سەنەمىنلەرچە سلام .

ئەسەرىن «فەرەون» سەنەمىنلەر كەمى ئەسەرىن ئىلە دۈن ،
ظەلمە ، ظەلمە قەرزى ووروش ئەلەن ئىلە دۈن ،
ئەخ نەجە غەسەبى سەركەشتە دۈرەن ئىلە دۈن ،
مەرجە ! مەرجە شەيخەندە ، مەرجە ، مەرجە .
اي يازىق كەتەلەر سەن رەھبەرى ، اي شەئەلى ئەمەم .

دۈرۈدەر ، قەن ئەخەدەپ لۈكە مەزى ئەل بۈيەدى ،
ئەسەرىن . ئەمەن ئەزەب ، ئۆتە ، يۈرە تەلەدى ،
ئەل تەرىخەدە «يەزەد» ئىلە قەرىن ئۆلەدى ،
يەخەشە . يەسەن قەلەبەق دەنە دا يەنە بىر نەم .
اي على نىن خەلف اوغلى ، سەنەمىنلەرچە سلام .

چەشمە . چەشمە يەلەلەر دەنە دە قەلەلەر ئەخەر ،
ئەج مەسەللەر سەنەمىنلەر ئەلەلەر كە شەخەر ،

قهرمانلار ، دۇشۈنە گۈل يۈرۈنە گۈللە قاخىر ،
بۇناسويۇرلار اينانماق ، بۇناسويۇرلار اينام .
اي يازىق كىتەلەلەين رەھبىرى ، اي شانلىى امام .

حقى قانمازلارا بۇنلارھامى افسانە گىلير ،
بىللى دىر ، يولسوزا «ايمان» سۆزى يىگانە گىلير .
«عمرو» قانماز نە ھوسلە «على» مېدانە گىلير ،
جان آتير يانماغا پروانە نە عشقىلە مدام ؟
«بوتراپ» يىن خىلف اوغلى ، سىنە مېنلرچە سلام .

سەن ايناندىن بۇناكى «حقىن الى» خىلقە دىر ،
حقى انماق ، تانىماق خىلقە داينماق بىتلە دىر ،
اىل گۈجى ، حق گۈجى ؛ نە سىل گۈجى ، نەزىلە دىر ،
بۇحقىقتە يىقىن قارشى دورانماز اوھام .
اي يازىق كىتەلەلەين رەھبىرى ، اي شانلىى امام

سەندە «مولا» تىك اينانماق كاتى ، ايمان كاتى سان ،
سۆزلۈن حق سۆزى ، عصرىن «دانىشان قرآنى» سان ،
حقە جان قىربان الدن نىلىمىزىن وجدانى سان ،
حق سۆزى ، وحى دى ، نە وسوسە ، نە سحر كلام .
اي يازىق كىتەلەلەين رەھبىرى ، اي شانلىى امام .

سەن اللىن آرخاسى سان ، اللىن آيىرمازسىنى خاق
ياخدىغىن تونقالى يىل اسسە ، داھا ياندىر اجاق ،
سەن گۈنش سەن ايشىغىن عصرى ايشىقلاندىر اجاق ،
مۈكب فجرى فقط گۈرمە يىرى اهل مىنام ،
اي يازىق كىتەلەلەين رەھبىرى ، اي شانلىى امام .

الىوى گۈندە ظفرلر ئۈپەجك ، حقدى يولون ،
گۈجووى اللىن آلبسان ، اودى سىنما زدى قولون ،
اهل ايماندايلا ، ايستەرسە ساغون ياكەسولون ،
حق مىجاھىدلر يىنىن قىدرىنى يىل ، قىل اكرام .
اي على نىن خىلف اوغلى ، سىنە مېنلرچە سلام .

قويماياق جرگە مېزە يول تاپالار «معاويە» ئو .
اهل ايمانە گرگمز ياوا سۆز سويلەلر ،
شەدايە نە روادىرگە منافق دىيەلر ؟
ئولومى قارشىلاماز اولما سا بىر كسدە اينام .
اى يازىق كىتلەلرەين رەبىرى ، اى شانلى امام .

بورباخوار «حاجى» لارقائىل قرآن اولالا ؟! ھى ...
مەحتكىردە نە بىلىم ، ذرەجە ايمان اولالا ؟! ھى ...
جىسلەردە چوروين «خائىن» ايران اولالا ؟! ھى ...
ئوزداناسىن سووا رانلاربولادىشمندى تمام .
اى على نىن خلف اوغلى ، سەمىنلەرچە سلام .

تاپشىراق شىطانا . شىطانلارا «ساغ . صول» سۆزۈنى ،
اتحادايلە ، اخوتلە چىخارداق كۆزۈنى ،
قوى شىاطىن ئوزاليلە لوواوئرسىن ئوزۈنى ،
بوروسون ھەر طرفى شەرت عدل اسلام .
اى يازىق كىتلەلرەين رەبىرى ، اى شانلى امام ،

من دە حق عاشقىم ، سئوگىلىمىن خىرائىيام ،
گىنج ياشىمدان بومرارتلى يولون گروانىيام ،
قسمت اولسا بو «منى» نىن قوجا بىر قربانىيام ،
ائللە حقىمدە دعا بىلكە بوآمالە چاتام .
اى على نىن خلف اوغلى ، سەمىنلەرچە سلام .

من «سەندىم» اگىلىنمىز يادا طوقانلى باشىم ،
ائىل بىلىر ، حقلى دوگوشلردە كىچىپ چوخلو باشىم .
ئويۇرم من سنى ، اى دۇنمىزىم ، اى جىبە داشىم ،
اى على نىن خلف اوغلى سەمىنلەرچە سلام .
اى يازىق كىتلەلرەين رەبىرى ، اى شانلى امام .

ب . ق . سەند

مراحە ، ۱۸ بھەن - ۱۳۵۷

از سهند

سلام بر تبریز

سلام ای اختر شرق شب آلوده
که روشن پرتوت اندر دل تاریخ ظلمانی
همیشه همچو خورشیدی فروزان
پرتو افشانی نموده تاجهان بوده .
سلام ای شهر عصیانها
سلام ای سرزمین قهرمان خیز
سلام ای شهر پر جوش و خروش
ای دل نژاد چهره خشم آلود
ای تبریز ،
که هرگز دیده بدخواه لبخندت ندیده .
سلام ای مادر خون گرم اخم آلود
که اندر ماتم و سوگم عزیزانت
خنده پر لبهای خندان تو خشکیده
سلام ای دلیر کلروی ، بر نامحرمان بدخو
که هرگز هیچ دشمن خمر گرمای تنت را ناچشیده
ناز آن چشمان خوببار و نگاه پر شرارت
ناز خشم و کینه هایت ، جان فدای اخم هایت .
تیک میدانم نخواهم دید هرگز
دیدگان هیز دژ خیمان سفاکی
که ، روی پیکر آل منظر نوباوگانت
اسب می نازند ، نقش خنده هایت را .
مگر آنروز ،
مگر آنروز موعودی که آن پتیاره نردامن

سیه دل ما دربی سیرت ضحاک را پرروی نعل
 زاده‌ی نفرین سزایش
 اشک ریز و موکنان بینی .
 سلام ای مجمر پرسوز آتشی ورجاوند
 سلام ای آذرستان
 ای دیار شیر مردان و دلیران ،
 که از صدها و صدها
 آبشار چشم اشک آلوده‌ی
 کوه سهندت بر عذارت خون همی ریزد .
 و از هر قطره‌اش
 صد داغ بر دل لاله می‌خیزد .
 زود باشد بگذرد
 این عهد شوم و این سیه دوران ،
 دامنت همواره گلشن باد .
 اجاق و دودمانت دود خیز و گرم و روشن باد .
 سلام ای خاک بابک
 موطن زرتشت
 ای مهد ختائی
 که محراب درو دیوار ویران گشته
 گوی مسجدت
 با لطره‌های خون مردانت سرشته .
 و از آزادی و رادمردیهای
 ستارخان و باقرخان گو ...
 یا از خیابانی ... چه گویم
 آسمان صد داستان
 با کلك پرویش نوشته .
 تو شهر قهرمان صبحی و
 آذر پادگانی .
 دیار بت شکنهایی
 چو ابراهیمی و هم جاودانی
 سلام ای مادر دلسوخته
 ای ام‌لیلای زمانه .
 ترا در ماتم قربانیانت
 کودکان ، نو جوانانت
 صمد ، بهرز و واکتایت
 و یا خون قلباش خشک ناگشته شهیدانت

چرا من تسلیمت گویم.
 نه دیونستی از سرخی خون شهیدانت
 همچو ترس جن زبسماله می ترسد.
 و خون پاک معصومان تو
 اندر رگ صدها و صدها
 نوجوان و مردوزن
 هنگامه جوش و خروش جاودان دارد.
 و اندر چشم فرعون زمان
 حکم دوسد کابوس مرگ بی امان دارد.
 نه اینک من ترا ای پرشکوه اورنگ رب النوع مردی
 به تو، ای خصم نامردی
 به تو، ای مذبذب معبود هستی که قربانهای افزون از شمارت
 از شمار اختران بیش است
 درود و شادی و تبریک می گویم.
 نه می گریم، نه می مویم.
 فدای عهد و پیمانت که در روز ازل با کردگار مردی و آزادگی هستی
 و هرگز عهد نشکستی.
 به قربان و غایت، جان صدجانشان فدایت.
 سر برافراز و همواره سربلندی کن
 تودشت نیشوالی
 کربلای عصر مائی

۱۱ - اسفندماه / ۱۳۵۶

حرمتلی سهنده

ای صلابتلی سهنده
استقامتلی سهنده

قا ائشیتدیم خبرون
نه تیز اولدوسقرون

نورایدون مشعلیدون
شاهد محفلیدون

ظلمه عصیان ائتدون
حق عنوان ائتدون

ایل اودوندا یاندون
عشقله آدلاندون

دور گنڊاخ یوردوموزا
دور قوشول اوردوموزا

شاعر ئولمک یلمز
عاشق انسان ئولمز

تهران ۱۳۵۸/۱/۲۳

معتشم خلایمین ای قوه‌لی ، قدرتلی سسی
ای مقدس ائلیمین «سازلی سوزو» ، همفسی

*

دیزلریم قهتره‌دی ، بودنیا دولاندی باشیما
هارا گتدون ، نیه گتدون بونه آپریلماق ایدی

*

قابالانمیش دیلمه ترجمان ایدی قلمون
یوردومون غملی اوره گتسازینا بیر مضرا بیدون

*

اگه دون باش وطنه باسغین ائدمن غصبارا
هیچ زمان سوسمادون ، هر دوره‌ده بیر صورتده

*

«ده ده کورقود» دئییه واقعه‌ده وطن دردی دئدون
خلقی نین ، ملت نین عشق اودونا اولاندون

*

گل آچیب ایندی «سهندین» اتگی شانلی سهنده
دور عزیز یولداشیم ایندی پیغیلیب دوستلایمیز

*

یوخ اوقدرتلی سسی سوسد ورا بیلمز کیسه
سن بیزیم قلبیمیز ایچره دیری سن ئولمه میسن

مخفف

سەھەد اوچون

آغلارسا ، وار بوگون پىرى ، خلق زمان يىزە ،
 قوی آغلاسىن كە ، چوخلی يىتىشمیش ، قەان يىزە ،
 ياغدىرسا گوز ياشين يىزە گوگلر بولوت ، بولوت ،
 قوی ياغدىرىپ ، وفاسینی وئرسين نشان يىزە
 قوی كېشەسىن (سەند) ە سەند ایلدىرىملاری
 ائلر سى ایلە گوزلەشپ اولسون تۈان يىزە
 بوخ اورتامیزدا قورقوت آتا سويلەسىن آغیت
 چالسىن قوپوز . بوگون يىتە اولسون اوزان يىزە
 بىر ياش بوپونجا گوردی سەندئوز دېلین اسیر
 غىرلەن تولدی ، ئولمەمیش آنجاق ، ایتان يىزە
 ظلمتدە سوردی گون ، گولشە قالدی ئېستېلی
 آنجاق ، گولش دوغونجا او ، بالدی ، قەان يىزە
 وارلىق بوپونجا چكدی آجی شاختاسين قېشىن
 اولدی بهار اولونجا ئوزی ، بىر خزان يىزە
 ائلر غمېندە ، وارسا جانېندان اسیرگەمز
 دنيا اوزوندە ، يالئیز اودر ، قەرمان يىزە
 باخ . بىر بوگونكى يىرلىگە بو سى يىل دېلین
 هر شى اولدی محو ، بو آنجاق قالان يىزە
 تورك اولدوغوندا كېمە بوگون چاشماسين داها
 اولماز بىر ئوزگە ، بىز كېمى جانندان يانان يىزە
 ئېرىلېنىن . بوگون دېلگى ئوزگە شى دگل
 بىرلىك اولورسا اورقادا ، دوشمز تالان يىزە

على ئېرىزى

سحره گئدن بیر یول وار...

باخیشین داغلارا ساری دالماسین
 گؤزلرین هنج اوزاقلاردا قالماسین
 سسله نمه نه چیخار قولاقلار صاغیر
 وجدانلار پاسلانمیش یوخولار آغیر
 دیسیر بیر قوی در قارانلیق کنجه
 اوره که دامجیلیر قورخی گیزلیجه
 اوجاقلار پیخیلمیش اودلار کولله نمیش
 سودالی باشلار طورپاق الهمیش
 چیغیرمان یالوارمان هدره گئدر
 باغیرسان چوللرده سسین عکس ادر
 بودومان دوتموشکن داغلار یاشینی
 فایدا یوخ سیلسن ده سن گنوز یاشینی
 دلیرلر قارادر آلهیندا یازین
 سس و لرمز صینقندر الینده سازین
 کورلاشمیش قیلجین کسمز قیندادر
 قاتلین پنجه سی بوغازیندادر
 ایللردر بوینوندا زنجیر داشیرسان
 یوردوندا سورگون سن غریب یاشیرسان

کیمسه دن سس چیخماز گبه رسک ده ییز
 ایتهریک چیخمازسا بیر یولا بوایز
 سن یری منزلین اوزاق یایاخین
 دیشین صیخ اوزونی ایتیرمه صاخین
 دردینین دواسین اومما کیمسه دن

کیمسهز یو خدر کی بیرمن بیرمن
 اولسه ده قاساق دا بودر یول آلقاق
 آلهن وئرلکه بیرمنزه چاقاق
 دوشسم من دوام آلت یولوندا یولداش
 دایانما یتری گنت بوداغلاری آش
 یایرم سحره کندن بیر یول وار
 دیزنده گوج وار کن یورولما اختارا

دکتر حمید نطقی
 تهران - خرداد ۱۳۵۲
 (۲ جزیران ۱۹۷۳)

بیدارشو صمد

بیدارشو صمد، بیدارشو صمد!
 تو کس شکوفه داده، بهاران همی رسد،
 گل کرده آرزوی تو، بیدارشو صمد!
 از قللگاه مدحش همسگران تو،
 جز تل خاک سوخته بر جا نمانده است.
 آلبوه تیرهای جگر سوزو جان شکار
 از ۳ و مسلسل و هفت تیر و توپ و تانک
 کز بهر سینه تو و بهاران خلق بود،
 اینک به دست ماست.
 بیدارشو صمد!..

يك شعر نالعام از بيد ق. سهند.

ستارخان!

قهرمان خلقیمین ناموسلی اوغلو!
نوگونور خلقیمیز سنینه بوگون.
قالخدین حق سیزلیکه ظلمته قارشلی،
الینله آچیلدی، هر باغلی دوگون.
قالدیردین یوردومدا عصیان باغین
سارسیتدین دوزولمز ظلمون تمکین.
یازیلدی تاریخه قیزیل خطایله،
پارلادی قدرتین، گولدی املین.
یازیقلا، ظلمتین قازا پنجه سسی،
یشنه ده خلقیمین بوغازین سیخیر.
یشنه هرتاج قویان جلادین امری،
میتلرجه ایگیتی تورپاقا ییخیر.
یشنه قان پوسکورور ظلمت آغزیندان،
دوستاغا آلتیر حق دیهن انسان.
یشنه قان ایچینده ال - آفاق چالیر،
بوسنوویملی تورپاق - بو آذربایجان
یشنه یوردوموزدا چیچکلر سولوپ،
بولبول لر آغلا ییر، گول لر آغلا ییر.
یشنه هرتاج قویان عاشیق الینده
او مضراب آغلا ییر، تل لر آغلا ییر.

لاکن اکمیه جک گوده سین بوائل
 قبا غامین بئله آغیرگون چیخا
 دالقالی دیز تک دالم جوشا جاق
 کولک لر قوپسادا، ایلدیرم چاخا
 ستارخان آند اولسون سنین آدینا
 آند اولسون اکیلمهز اوبایراغینا
 آند اولسون توکولموش ناهق قانلارا
 آند اولسون ینیلمهز مرد انسانلارا
 مقدس ووروشو، پتره ریک ییز
 آزادلیق عشقینه چارپیر قلبیمیز
 یئنه ده بویولدا دریا قان آخسا
 بوائل لر ظلمته چوکمه جک دیز
 عزیز محسنی

ستارخان، صابرین شعرینده

آذربایجان ادبیاتینین مہر و استادى مہر و اعلی اکبر صابر، ایران مشروطه انقلابینا و خصوصیلہ تبریز قیامینا درین علاقہ بسلہ میشدر. او، مشروطه انقلابی ایللرینده ایرانداکی حادثہلرہ دایر ایگرمی بشدن آرتیق شعر یازمیشدر. بواثرلرہ اساس ایکی مسئلہ قویلموشدر. بونلاردان یسری خلقین استبداد علیہینہ مبارزہسی، ایکینجیسی آزادلیق حرکاتینی بوغماغا چالیشان ارتجاع قوہلرینین افشا ائدیلیمہسی. شاعر، یسر-ینجیہ - یعنی خلقین استبداد علیہینہ مبارزہ سینہ بویوک رغبت بسلہ یسر. الہ گتیردیگی غلبہلری بویوک سئوینجلہ آلفیشلا یسر. ایکینجیہ گلینجہ او، ارتجاعی قوہلرہ اودلی طنز ایله ئولدوروجی ضربہلر وورور. باشدا محمد علی شاه اولماقلا بوتون مرتجعہلری شعرین محکمہ سینہ چاغیریر.

مشروطه انقلابی ایللرینده ایراندا مبارز قوہلرین ان غدار دشمنی محمد علی شاه ایدی. او، آتاشی مظفرالدین شاهین امضالاماغا مجبور قالدیغی مشروطه فرمانینی لغو ائدی. آزادلیق سئون خلقین اوستونہ هجوم اگچدی. محمد علی شاه، تبریز انقلابچیلارینین اوستونہ قشون گؤندرمیشدر. ایرانی امپریالیزمین و تزار حکومتین آیاقلاری آلتینا آتماق کیمی خیانتہ یول وئرمیشدی. صابر بئلہ بیر دشمن علیہینہ مبارزہ پایراغی آلیب محمد علی شاهى رسوا ائدن اثرلر یازمیشدی. «غیرت وقتیدی»، «دوغروداندا مدلی غیرت حلال اولسون سندا»، «نه در آیا ینه عصیانلاری ایرانلیلارین؟» و «نه ایچون وئرمه ییر؟» شعرلری محمد علی نین استبدادینا ئولدوروجی ضربہلرہ دولودر.

صابر بویوک بیر عمومی لشدیرمه گوجی ایله مستبدلرہ خاص اولان بوتون منفی خصوصیتلری محمد علینین سیماسیندا جاقلا ندیرمیشدی. شاعر ایران شاهینین معنوی یوخسوللوغونى، جلادلیغینی، زحمتکش خلقلرین دشمنی اولدوغونى، اخلاق سیزلیغینی و قورخاقلیغینی بویوک بیر قدرتلہ آچماغا موفق اولموشدر. صابر، شاهین هارالارادایا-ندیغی، کیملرہ بئل باغلا دیغینی آچیق صورتده گؤستریردی. بوجهتدن «ساتیرام» شعرى اولد و قجامعنا لیدر. بویوک شاعر بواثرینده ۱۹۰۷نجی ایلدہ انگلستان ایله تزار روسیہسى

آراسىندا ايرانىن تەقسىمى ايچون باغلانغان قاراردادى افشا ئىشلىشى و وطنىنى امپريالىستلار
ساتقان مەدەلىنى شاللايمىشدر :

اىستەم ئورى، قارائلىق سئورم،
مەلك ايرانى دومانلىق سئورم،
بوشلايىپ شەرى بابائلىق سئورم،
بەدى شاھلىق، داخى خانلىق سئورم،
سېزوارايە مېامى سائيرام،
آي آلان مەملىكتىرى سائيرام.

بۈيۈك قىرباتلار بەھاسىنا يازدىلىشى مەجلىسى داغىدىپ توپا باغلانمىسى مەبەرى
غەزەپلىنىپ مەشىدى . او « ايران ئوزوموندور » ئىرىندە يوتارىغى قاجەنى بىللە
تەبىر آلدىر :

مەن شاھ قوشوكتىم، ايران ئوزوموندور!
ايران ئوزومون، رى، طبرستان ئوزوموندور!
آباداولا، باقالسادا ايران ئوزوموندور!
قانۇن اساسى نەدى، فرمان ئوزوموندور!
شوكت ئوزومون، فخر ئوزومون، شان ئوزوموندور!

مەبەر فەقەت مەدەلىنى مەتەم ئىتەككە كەلتىرەلەيدى . عىن خەللە ، اونون اطرافىندا
خەسەسى و مەننى مەنەتلىرىنى كودن و خەلقلىرى ئالەكتە ساخايلان مەتەجەم ئىتەدالەتلىرىنى دە
افشا آلدىردى .

بۈيۈك شاعر اجتماعى - سياسى خەللە كى مەننى ئىپلىرى طىز آتەشە توتماقلايانشى ،
آزادلىق اوغروندا قەدەر كارلىغان و زوروشان قوملىرى دە كۆرۈرۈپ قوۋەلەرىن رەبەرى ستارخاننى
سەۋە شەۋە آلتىشلىرىدى .

تەبىرىز خەللەلەرىندە ، خەسەسىلە ستارخاننى رەبەرلىكى آلتىندە كەلەن مەبارزە مە سۆنمەز
مەبەت بىلەن شاعر ۱۹۰۸ - نەجى ايلەدە يازدىغى « ستارخان » ، « مەرھاشم تەبىرىزى » ،
« عرغەمال » لا آدلى شەرلەرىندە ستارخاننى تەجەمەتلى و تەبىرىزلى بىر سەركردە كىمى قەلمە آلتىشى ،
القلاب سەركردەسى ستارخاننى سىماسىندا قەرمان تەبىرىز مەجەلەلەرىن تارىغى غەلبە مەننى
تەرىم ئىتەمەشەدى .

مەبەرىن « ستارخان » آدلى شەرى او و قەلەرىن سەنگەلەردە مەننى تەجەلەلەردە ازەرا و خەنەۋەدى
بوشەرى ستارخان ئوزى دە دىنلەمەشەدى .

ستارخان مەشە سەنگەلەردە ، آتوللەرىن ايجەرىندە ئوز مەجەلەلەرى ايلە بىر سەپەر
داۋور و شەۋەشەدى . او ، مەن مەبەدىۋان باغىندا ، مەن آجى چاى كۆرۈپەسى و سەۋى دىلە
اطرافىندا كەلەن قانلى دۇيوشلەردە شەخسە ئىتەككە ئىتەمەشەدى . مەبەر ستارخاننى انساننى
خەسەتلىرىندە ، اونون ئوز خەلقنىن آزادلىغىنا بىلە دىكى اعتقاددان بۈيۈك الھاملا
دانىشمەشەدى . شاعر تەبىرىز مەجەلەلەرىن و ستارخاننى بوتون دىئانى حىر تەسەلەدىغىنى قەلمە
آلماقلايەزىر :

... ایندی دنیایین توجه نقطه سی ایرانه در! آفرینیم همت والای ستارخانه در!

صابرین ستارخانین مبارزه سی ایله علاقه دار تاریخی حادثه نی تصویر الیدن بیر اثری اولدوقجا ماراقلیدر . بوشعر فردوسینین «شاهنامه» سینه نظیره شکلینده یازیلیمیشدی . صابر بوشعرینی او زمان قائلی دؤیوشلر میداننی اولان تبریزه حصر ائتمیش ، ایکی قوه نین مبارزه سینی :

شاه قوشونلارینین باشیندا دوران عین الدوله ایله ستارخانین آراسیندا کی دؤیوش صحنه لرینی ایشیقلا ندیرمیشدی .

عین الدوله ممدعلیه یازدینی مکتوبدا اوننی اینان دیریردی کی «تبریزی ایکی اوج ساعتین عرشینده یثرله یکسان» ائده چکدر .

لکن عین الدوله ایسه گینه چاتایلمیر . تبریز مجاهدلری ستارخانین رهبر لیگی ایله هجوم اچیرلر . بوتاریخی صحنه نی قلمه آلان صابر یازیر :

گوروب چون بواوضای ستارخان

دوروب شیر تک نعره چکدی فغان:

مجاهد لر، ای غیرتین کافلاری!

غنیمت ییلین بویله میدانلاری

حیاتین قالیر ییزده صون ساعتی

آغیر دیر بوصون ساعتین قیمتی.

نه بیر خدمت ائتمیشه نیز ملته

بولون بسته در ایش بویور ساعته

صابر همین تاریخی دؤیوشون اهمیتنی چوخ دوزگون باشا دوشموشدی . چونکی تبریز قیامینین مقدراتی بوتاریخی دؤیوشده حل ائدیلمیشدی .

عین الدوله قوشونلاری بودؤیوشده مغلوب الاندان صونرا ، ستارخان حرکاتی نه تک آذربایجاندا ، بلکه بوتون ایراندا ینی یسر دور آچمشیدی . تبریز قیامی کنیشه نیب عموم آذربایجان قیامینا چوریلیمیش و بوتون ایراندا آزادلیق حرکاتینین گوجلنمه سینه سبب اولمیشدر .

صابر بئله بیر تصویر واسطه سیه عین حالدا ستارخانین بیر آغیللی سر کوده ، وضعیتنی یاخششی باشادوشن بیر رهبر اولدوغوننی گوستر میشدیر .

صابر درین مضمونلی و اجتماعی تاثیر قوه سینه مالک اولان شعرلری ایله مشروطه انقلابینا خدمت ائتمیشدر . عباس صحت و قتیله صابر شعرینین ایران انقلابینا ائتدیگی کومکی یاره سینده بئله یازمیشدی : صابرین اثرلری « ... پش ایلمین مدتینده ایران مشروطه سینه بیر اوردودان زیاده خدمت ائتمیشدر » . *

م . پ . عاقبت

* مقاله بیر آز ساده لشمیش واختصار ائدیلمیشدی .

ھدر اولماز

گر ھمتی اولسا کیشی عمری ھدر اولماز ،
ھمتسیزین ھئج یشردە سوزونئدە کسر اولماز .
سن ایستە میش اولسان کی ، الل ایچرە اولاقدرین ،
سعی الت اللین اوغروئدا ، کی بوندان ضرر اولماز .
سن یوردو واپان ، یان اللیوہ یانمالی واختدیر ،
دوغما دیلوہ یانسان اگر بی لمر اولماز .
باخ گور سنی دنیا داقالیرلار بودیل ایله
دیل اولماسا ، وارلیقدان بوتولسوک گئدر اولماز .
سن فوت الینی ، تاپ لوزونو ، ییل یاشادوزگون ،
ھرایش گورەسن ، ییل کی ھدفسیرالرا اولماز .
آچ گوزلرینی ، علم و معارف چاغیدر باخ ،
انسان تانیان کیمسە بئلە بی بصر اولماز .
سن ای ساوالان . یالغیشیدونما آیل ایندی ،
غفلت یوخوسوندا یاشایان بختەور اولماز .

ج- م . ساوالان

ناظم حکمت

اوچ پارچا شعر

شعریمه دایر

نه مینه جک سیرما پالانلی بیر آئیم ،
نه ییلمم نره دن گلیر آئیم ،
نه مولکوم ، نه مالیم وار .
ساده بیر چاناق بالیم وار .
رتکی آشدن آل

بیر چاناق بال !

بالیم هر شینیم منیم .

من

مولکومی و مالیمی ،

یعنی بیر چاناق بالیمی ،

قورویورام حشرا ائدان .

بلکه قارداشیم بلکه .

چاناغیمدا

بالیم اولسون ،

گلیر آریسی

باغداددان .

بىلكە من

بىلكە من
 او گوندىن

چوخ داھا اول :

كۆرپى باشىندا ساللا تاراق

بىر سحر چاغى كۆلگە مى آسفالنا سالاجاغام .

بىلكە من

او گوندىن

چوخ داھا سونرا

قىرخىق چىمىدە آغ بىر ساققالىن ايزى

ساغ قالاچاغام ...

ومن

او گوندىن

چوخ داھا سونرا :

ساغ قالير سام اكر ،

شهرين ميدان كنارلاريندا دايانيب

دووازلارا ،

بايرام آخشاملاريندا كمان

چالاچاغام ...

اطرافدا مكمل بىر گنجەنين

ايشيقلى قالديريملارى

وينى شوقيلو سويلەين

ينى انسانلارين

آدديملارى ...

قارىما مکتوب

يىردانام !

سن مکتوب بوندا :

«باشيم فيرلانيو

اوره كيم دۇيونيور !»

دليير سن

«سنى آسارلار سا

سنى ايتير رسم ؛»

دليير سن ؛

«ياشاياييلم !»

ياشارسان قارييجيغيم ،

قارا يىر دومان كيمي داغليير خاطر م روزگاردا

ياشارسان ، قلبيمين قيزيل ساچلى باجيسي

ان چوخي بير ايل سورر

ايگيرمينجى عصر لوده

نولوم آچيسي

نولوم

بير ايپده ساللانا بير نولو .

بونولومه بير تهر

راضى اولانمير گۇنلوم .

فقط

بونايان سئوگيلى ؛

اوغورسوز بىر جىلادىن

قىللى ، قارا بىر تۇر ئانا بىزەين الى

گىچىرە جىكسە اگر
ايپنى بوغازىما

ماوى كۆزلىرىمدە قورخونى كۆرۈك ايچون

بوشونا باخاچاقلار ناظىما !

من ،

آلاچاقارانلىغىندا سون سحرىمىن

دوستلارىمى وسنى كۆرە جاغام ،

ويالنىز

يارى قالىمش بىر نغمەن بىن آجىسىنى

توپراغا كۆتۈرە جاغام ...

قارىمىنىم !

يوشاق اورىكلى ،

آلتون رنگلى ،

كۆزلى بالدان دادلى آرىمىنىم ،

نە دىيە يازدىم سەنە

ايستە نىلدىكىنى اعدامىمىن

داھا دعوا ايلك آد دىمىندا

و بىر شلغم كىمى قوپارپىرلار

كلەسىنى آدامىن .

ھايدى بونلارى بوراخ .

بونلار اوزاق بىر احتمال .

پولون وارسا اگر

منە بىر يون شالوار آل ،

توتدى قىچلارىمىن سيايىك آغرىسى .

و اونوتماكى

دائما ياخشى شىنلر دوشونمەلى

بىر زىندانىن قارىسى .

« کارگر بایرامی »

مظفر

کارگر بایرامی مایین بیری در
 بوگونی چوخ عزیز دوتور «فعله»
 جمله بیرگون شیکاگو فعله لری
 دوقسان اوچ لیل قاپاق دوروب آیتا
 چکدیککی ظلمدن اسارتدن
 پیغیلیب بیرگون اتیدیلر طغمان
 اعصاب، اعتراض، یول گتمگه
 بو طرفدن پلیس، آزان، ژاندار
 اللرینده تفک، نیزه، چماق
 اتیدیلر جمله کارگر صفیه
 «ماجر اجوا» «وطن فروش» آدینا
 ووردولار ضربه، آچدیلار آتش
 یارالاندی، قیریلدی یوزلرله
 ارتجاع ایشچینی قانا بویادی
 اوزماندان اولوب بوگون مشهور
 اوزماندان هرایل بوگونده بوآی
 بیله بیرگونده ایستدی دنیاده
 قارا آفریقا، استرالیا
 نه قدر فعله نی سئونلر وار
 هامی آلتیشلاییر بو قانلی گونو
 چوخدی مؤز، حیف یوحنی چوخ فریضت
 بیرده قوی سویلیوم بویرده دوزون
 گوردونورکی ینه اوزون گشدیرم
 قوی اوجالین فضالره بوهارای،

شیکاگو طاجرا سون ایلکی در
 چونکه آسان گتیرمه ییبدن
 ظلمدن عاصی، فعله کتله لری
 بسکه چاتمیشدی جانلاری دوداغا
 گوردوکی زچردن، حقارتند
 ستمه، ظلمه، اوبابا، قشمان
 شهر ایچینده تظاهرات اتمگه
 لات، اجلاف، بیرغده ساغینما
 گولله، بومبا، باریت، چپاق، توخماق
 سورژوا، اوجساین مخالفینه
 چکدیلر او تظاهراتی قانا
 شهید اولندو ذواللی زحمتکشی
 یانایرام مننده یاشلی گوزلرله
 کارگرلر قیانی، یغسری، مولادی
 «بیرمای فعله»، «استعالی بودور
 آدلانوب کارگو گونو» «بیرمای
 لری»، آسیله آمریکاده
 نه قدر فطیه وار بو دنیاده
 نه قدر واردی ملک و جهاندانلار
 بو مقدس گونو، بوشانلی گونو
 بو خدو وار لیمدا اوقدر و سمت
 سویلیوبلر که اولماسین چوخ اوزون
 اودی کیم بوشمارلا ختم االدیرم
 «یاشاسین فعله لر گونوبیرمای»

دستور نگارش ترکی آذری^(۱)

حروف الفبای هری - فارسی - ترکی که برای نگارش ترکی آذربایجانی از آن استفاده می‌کنیم از این قرار است :

الف - همزه - ب - پ - ت - ث - ج - چ - خ - د - ذ - ر - ژ - س - ش - ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - گ - (کاف نوی) - گ - (کاف یائی) - ل - م - ن - و - ه - (هاء رسمیه یا غیر ملفوظ) - ی -

(از قاعده هفتم)
برای نشان دادن مصوتات در مواردی که موجب اشکال یا اشتباه باشد و برای مبتدیان از علائم و قراردادهای زیر استفاده می‌کنیم :

(A) - صدای الف - در اول کلمه : آخ - سفید ، در سایر موارد : داغ - کوه ، به صورت : آ - ا

(E) - کسره - در اول کلمه : ائو - خانه ، در موارد دیگر : مثل - سیل/دهه - بگو به صورت : ا / د / ه

(B) - فتحه - در اول کلمه : آل - دست ، در موارد دیگر : دوه - شر ، به صورت : ا / ه

(U) - ضمه - در اول کلمه : اول - پیر ، در موارد دیگر : گوز - چشم ، ئول - پیر . به صورت : او / نو / و

(I) - ضمه - در اول کلمه : او ز - صورت ، در موارد دیگر : بو - دوز ، صد به صورت : او / و

(O) - ضمه - در اول کلمه : اون - ده / او ، در موارد دیگر : سون - پایان به صورت : او / و

(U) - صدای واو - در اول کلمه : اون - آرد ، در موارد دیگر : دوز - نمک ، به صورت : او / و

(۱) - مستخرج از کتاب «۱۲۵» قاعده، از دکتر حمیدتقی چاپ تهران انتشارات فرزانه ۱۳۵۸ (زیر چاپ)

(I) - ياء ثقیل - در اول کلمه: ایلق - ولرم ، در موارد دیگر: قیش - زمستان

و آیری - جدا به صورت: ای/ه/ی

(i) - صدای یاء - در اول کلمه: ایل - سال ، در موارد دیگر: دیری - زنده ،

به صورت: ای/ه/ی (از قاعده ۱۸ و ۱۹)

مصوتات از نظری تقسیم میشوند به **ثقیل و خفیف** . از این قرار:

مصوتات **ثقیل** عبارتند از - (A) و (O) و (U) و (I) این مصوتات را در

ترکی قالین نامند .

مصوتات **خفیف** عبارتند از - (E) و (E) و (U) و (Ü) و (i) این مصوتات

را در ترکی اینجه نامند .

مصوتات از نظر دیگر تقسیم می شوند به راست و منحنی . از این قرار:

مصوتات **راست** عبارتند از: i/I/E/A

مصوتات **منحنی** عبارتند از: Ü/U/O/O

(قواعد ۱۰ و ۱۱)

تقارن صامت‌ها چنین است: ب - پ / ج - چ / د - ت / ک - گ / ق - خ .

کلماتی را که به **حروف اول متقارن** ختم می شوند اغلب به صورت **حروف**

دوم متقارن می خوانند . مثلاً کلمه ای که به (ب) مختم است اغلب حرف آخر آن را

(پ) می خوانند و قس علیهذا . لکن در هنگام پیوستن به پیوندی که ابتدای آن مصوت

است آخر کلمه به صورت اصلی بر می گردد . مثلاً - سوت (شیر) و سودی (شیراو) یا

قولاق (گوش) و قولاغیم (گوش من) که در اولی (ت) به صورت اصلی یعنی (ده) درآمده

و در دومی (ق) مبدل به (خ) شده .

(از قاعده ۱۳)

کلمات دخیل فارسی و عربی را باید به همان صورتی که در فارسی یا عربی معمول

است نوشت (مانند فرشته و مشکل - نه به صورت فرشته و مشکول) مگر آن که استعمال

آنها با تلفظ متفاوت در زبان ادبی آنچنان رایج باشد که بتوان با آنها معامله کلمات

اصیل ترکی کرد و صورت اصلی آنها مغل فصاحت و یا و زن و واقیه در نظم باشد (مانند

گول به جای گل موشامبا به جای مشم) .

(از قاعده شماره ۱۶ و ۱۷)

از حروف صامت که در ترکی به عنوان **ثقیل** شناخته شده در کلمات ترکی برای

جبران کمبود مصوتات و بی نیازی از علائم خاص (که در بالا ذکر شد) استفاده می شود .

بدین نحو از این حروف بخصوص چهار حرف **(خ)** و **(ص)** و **(ط)** و **(ق)** در هر جا که

آورده شود آن هجاء نقط پذیرای **مصوت ثقیل** می شود . بنابراین در هر کلمه ترکی همین که

بایکی از حرف **(خ / ص / ط / ق)** روبرو شویم یقین می کنیم که آن کلمه بر حسب قانون

هم آهنگی مصوتات به طور کلی از مصوتات **ثقیل** (قالین) ترکیب یافته است و در آن از

مصوتات i/Ü/O/E/A خبری نیست پس به آسانی در می یابیم که اگر در کلمه ای چنین

(داوای یکی از حروف ثقیل مذکور در فوق) مصوت (ی) باشد باید فقط باء ثقیل (I) تلفظ شود مانند قیز - دختر باوجود (ی) نیازی به علامت (ه) نیست و (ی) در مجاورت یکی از حروف ثقیل همیشه (I) خوانده می شود + ولس علیها

(شماره ۲۳ و ۲۴)

در زبان ترکی هم آهنگی اصوات از اهم قواعد است ؛ کلمه ای که با هجائی ثقیل آغاز شود هجاهای دیگر آن هم دارای مصوتات ثقیل خواهد بود ؛ همچنین است در مورد هجاهای خفیف که تنها مصوتات خفیف را قبول می کنند . (شماره ۲۵)
در آخر کلمه ، مصوتات یائی و واوی (هر دو) را ترجیحاً با (ی) می نویسند . مانند گشتی - رفت ، و حتی گوردی - دید (به جای گوردو) . این صورت به شکل واوی ترجیح دارد . (شماره ۲۷ و چند شماره دیگر)

(شماره ۲۸)

مصوتهای آخر کلمات بدون استثنا نوشته می شود .
در حال توالی فتحه دوم را با (ه) نویسند (مانند دهه) . در افعال نخستین فتحه که در دنبال ریشه افعال می آید با (ه) نوشته می شود (مانند پیله رم - می دانم یا آکهرم - می کارم) . در صورتی که سه فتحه پیاپی بیاید معمولاً فتحه دوم کلمه را با (ه) نویسند (مانند گله جات - آینه یا قلعه سیلک - باشتاب) . (شماره های ۲۹ و ۳۰)

در برخی موارد از آن جمله در مورد پسوند (در) - در مقابل dir/dir/ dur/dür - می توان به همین صورت (در) اکتفا کرد (مانند کیمدر ؟ - کیست ؟ یا گله جکدر به جای کیمدر و گله جکدر یعنی خواهد آمد و همچنین بودر به جای بودور به معنی ایست) . در مورد باء ثقیل ، در نظیر این موارد میتوان آن را بدون (ی) نوشت چون قانسز یعنی بی خون . (شماره ۳۳)

در پسوندهای بعد از هجاهای محووی O/U/Ü/Ü به جای (و) می توان (ی) نوشت چون ؛ گوردی - دید به جای گوردو - زیرا با استفاده از قاعده هم آهنگی مصوتات باوجود (ü) در هجای اول روشن است که پسوند ، مختوم به مصوت منحنی و خفیف خواهد بود بنابراین از لحاظ یکدستی املا ترجیح می دهند که همه این پسوندها را با (ی) بنویسند . (شماره ۳۷)

صورت «ایگیرمی» - ییست ، به انواع دیگر صور آن از قبیل یگیرمی / یگرمی / اییرمی و غیره رجحان دارد . در این قبیل کلمات صورتهای اول به دوم ترجیح دارد ؛ قاینانا - قئینانا / یایلاق - ییلاق / قایماق - قئیماق ... در تبدلات صورت اصلی متغیر است ؛ قارلی ، اوزرلیک ، دفتر ، آج ، یامانلیق باید نوشت نه قارری یا او زوریک یا دفتر یا آج یا یامانلیق و امثال آن . (شماره ۴۰ و ۴۳ و ۴۴)

قاعده کلی : در کلمات همه مصوتات جز فتحه هجای نخست به کتابت در می آید . لکن به ملاحظه سرعت در نگارش می توان از ثبت فتحه بخصوص در هجاهای بسته صرف نظر کرد و به جای گوزهل ، نوشت ؛ گوزل - زیبا . (شماره ۵۰)
در کلمات ترکی اصولاً (ق) و (غ) و (خ) به همراه مصوتهای ثقیل و (ك) و (ك) (شماره ۵۱)

با مصوت‌های خفیف و (ی) با هر دو گونه مصوت به کار می‌رود. تشدید را به صورت
 دو حرف در کنار هم می‌نویسند جز در مورد: صلیز، صاقل، دولوز، یتدی، آدیم،
 سکیز و ائشک که می‌توان به جای تکرار حرف (چون صلیز، صاقل، دولوز، یتدی،
 آدیم و غیره) از همان علامت تشدید استفاده کرد. در کلماتی چون تاجمیان، قاجمایان
 و آلامیان، آفلامیان امروزه صورت دوم ترجیح داده می‌شود.

(شماره ۵۰ و ۷۲ و ۸۸)

نباید نوشت ائشیدیز یا گوردوز باید نوشت: ائشیدیز و گوردوز و امثال
 آن. سابق بر این این گونه کلمات با کاف نونی نوشته می‌شد بدین صورت: ائشیدیکز و
 گوردیکز.

شماره (۱۷)

(خ) در ابتدا و وسط کلمات و نیز آخر کلمات تک هجایی به صورت
 (خ) ولی در آخر کلمات چند هجایی به صورت (ق) نوشته می‌شود. مانند: آخ
 آخماق اوخوماق (ماق آخر را سابق می‌نوشتند: اوخومق). (شماره ۵۹)

- پایان -

مختوم اخوجولارين نظردا قيتينه:

- ۱- آذربايجان خلق شاعري سهندين وفاتى مناسبتيله نشریه ميزين بوصاينى ميتين بيرچوخ صفحه لري بۇيوك شاعره حصر ائديلميشدور.
- ۲- بوصاينى عجله ايله چاپا حاضر لانماسى اوندا بيرچوخ فنى نقصانلارايول آچميشدور. بونقصانلارين گله جك نمره لرده تکرار اولماماسينا چاليشا جاغيق.

يازيجيلار هيشتى

وارليق

مجله ماهانه فرهنگى، ادبى و هنرى

(به زبانهای فارسى و تركى آذرى)

ناشر افكار گروه فرهنگ و ادب انجمن آذربايجان

تحت نظر هيئت تحريريه

محل اداره موقت: تهران، خيابان انقلاب، خيابان

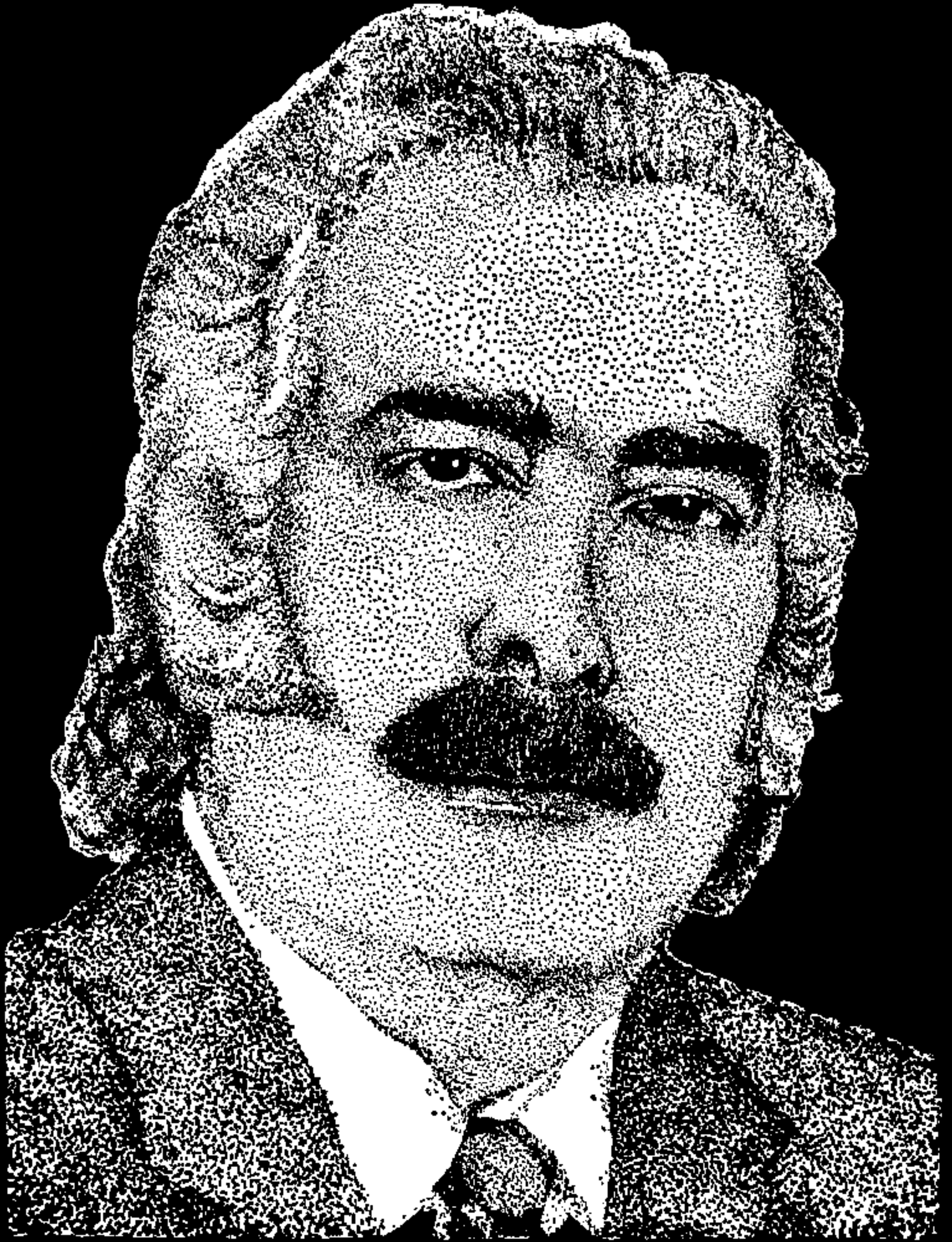
فروردين، خيابان ناهيد، شماره ۲۰۴ - تلفن ۲۴۰۳۸۰

چاپ كاويان - ميدان بهارستان

جلدين داليسيندا: ب.ق. سهندين تصويرى

قيمتى ● ريال

مرا



سناہ (پرواک) یم کی دنیا و حیات اولی شعلہ یہ دور و لو شام
یانسام و اباکیم یوزدر ازلدن بوسودا، یانما غاد و نوموشام



من اور پروانہ ایم کی دنیا داحیات اولی شہیدہ نور و ملو شام
یانسام و ابا کیم یو خدرا از لدن بسودا دا، یانما خاد و غولوشام